



رخدادهای ظهور

مهدی یوسفیان


بسم الله الرحمن الرحیم

انتظار ۶: رخدادهای ظهور

نویسنده:

مهدی یوسفیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انتظار ۶: رخدادهای ظهور

مشخصات کتاب

سرشناسه : یوسفیان، مهدی، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور : رخدادهای ظهور/ مهدی یوسفیان.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)،مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۹۶ص.؛ ۵/۹ × ۲۰ س م.

فروست : انتظار؛ ۶.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۷۱-۲ :

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : مهدویت

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/ی۹۳ر۳ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۰۷۴۵۳

ص:۱

اشاره

انتظار «۶»

رخدادهای ظهور

مهدی یوسفیان

رخدادهای ظهور (انتظار ۶)

مؤلف/ مهدی یوسفیان

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

نوبت چاپ/ چهارم، تابستان ۱۳۹۱

شمارگان/ پنج هزار

ویراستار/ زینب احمدیان

طراح و صفحه آرا/ عباس فریدی

لیتوگرافی/ ترام اسکنر ۷۸۳۰۰۵۸

بها/ ۱۲۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویّت/خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص. پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ □ تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ □فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

□ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵ □ تلفکس: ۵-۸۸۹۹۸۶۰۱

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۷۱-۲

ص:۳

فهرست مطالب

د) رجعت برخی از یارانِ از دنیا رفته[۳۲]

ه) همراهی زنان در قیام[۳۳]

بخش اول: کلیات

اشاره

مقدمه

نام و یاد مهـدی علیه السـلام و دوران شـیرین ظهور او، جان خسـتهی هر انسانِ به سـتوه آمده از وضع موجودِ جهانِ بشـریت را آرامش می دهـد و نهال امید به آینده ای سبز و زیبا را در کانون دل او زنده و پر نشاط نگاه می دارد. آری؛ زمانی که او بیاید و عدالت را در جهان، برقرار و فراگیر کند، صـلح و صفا در دریای زندگی انسان ها موج خواهد زد و آبشار زلال صمیمیت و یکرنگی، روان آدمیان را نوازش خواهد داد.

در میـان مبـاحث مختلف مهـدویت که هر کـدام زیبـایی و طراوت خاص خود را دارد، مبحث چگونگی قیام و انقلاب بزرگ امام

مهـدی علیه السـلام جایگـاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است. زیرا منتظران ظهور می خواهنـد بداننـد آن عزیز پیـدا ولی پنهـان، در چه زمـانی، نقاب از رخ خواهـد کشـید؛ حرکت اصـلاحی خود را چگونه شـروع خواهـد کرد و در این فراینـد، چه حوادثی رقم خواهد خورد.

از این رو، ما در این نوشتار به دنبال آنیم که در حد امکان، سیر حرکت انقلابی حضرت را به تصویر بکشیم.

اهمیت بحث

روشن است که دوران سـخت و دشوار غیبت ولیّ خـدا، دورانی بسـیار دردنـاک برای بشـریت بوده و هست؛ زیرا مردمـان این عصـر، در دریای موّاج و پر گرداب حوادثِ روزگار، چونان مسافر کشتیِ بدون ناخدایی هسـتند که هر آن، امکان برخورد آن با امواج و غرق شـدنش، انتظار می رود. در چنین شـرایطی، حضور ناخـدایی دانا و با تجربه که بتوانـد با درایت و هوشـمندی، این کشتی را از میان امواج و گرداب ها، رهایی داده و به ساحل امن برساند، نهایت آرزوی مسافران خواهد بود.

انتظار ظهور ناخدا و راهبر زندگی بشریت و حضور آشکار منجی و مصلح کل، نهایت آرزوی مردمان این زمان است. اما به راستی او کی خواهد آمد؟ آیا ظهورش نیازمند فراهم شدن شرایط و زمینه هایی است؟ آن شرایط کدام است؟ نقش و جایگاه انسان ها در این دوران چه خواهد بود؟ و...

منتظر مشتاق به دنبال آن است که برای انبوه سؤالات خود، پاسخ های قانع کننده بیابد؛ تا با درک بهتر و کامل تر شرایطِ ظهور، بتواند خود را برای دوران شیرین و سبز حاکمیت عدل و خوبی آماده کند.

بررسی اجمالی کیفیت انقلاب و خط سیر حضرت مهدی علیه السلام این امکان را به انسان می دهد تا با شناخت چگونگی این حرکت بزرگ، از نقش و وظیفه ی خود آگاه شود و خود را برای ایفای درست وظیفه آماده سازد. به علاوه، می توان دریافت که مخالفان حضرت، چه کسانی هستند؛ چه ماهیت و هویتی دارند و مقابله ی آنان با حضرت به چه شکل صورت می پذیرد؛ تا از این ره گذر، بتوان خود را از گروه آنان خارج کرد. هم چنان که درک درست

جریان ظهور، موجب بازشناسی جریانات انحرافی و مدعیان دروغین مباحث مهدویت خواهد شد.

چند نکته

اشاره

قبل از ورود به اصل بحث، توجه به چند نکته لازم به نظر می رسد:

۱. اصل بداء

یکی از مباحث اعتقادی مکتب تشیع _ که از امتیازات آنان نیز به شمار می آید _ اعتقاد به «اصل بداء» است. لفظ «بداء» در لغت، به معنای «ظهور و آشکار شدن» است؛ اما در اصطلاح، به ظهور بعد از خفا که گاه همراه با تغییر و تبدیل است، گفته می شود.

مراد از بداء در امور انسانی آن است که امری برای یک شخص یا جامعه در تقدیر گرفته شود؛ ولی تحقّق آن امر، وابسته به شرایط و زمینه هایی باشد. در این صورت، اگر آن زمینه ها و شرایط فراهم شد، آن امر، واقع می شود و اگر آن زمینه ها و شرایط فراهم نگردید یا مانعی حادث شد، آن امرِ مقدَّر، تحقق پیدا نمی کند. البته باید به یاد داشت

که خداونـد ـ که علم او کامل و بی نهایت است ـ از همه ی امور، آگاه بوده و از چگونگی اختیار انسان و آن چه در نهایت واقع می شود، مطلع است.

بحث و بررسـی این بحث، در حوزه ی علم کلام بوده و خارج از حوصـله ی این نوشتار می باشد؛ لذا در توضیح آن، به همین مقدار اکتفا می کنیم. اما از آن جا که در قرآن و منابع شـیعه بر این اصل، صـحه گذاشته شده است، می توان بر اساس آن، در تشـریح چگونگی انقلاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گفت که هر چند امور و حوادث، در تقدیر الهی ثبت شده و ائمه علیهم السـلام در مواردی چگونگی وقایعی که در آینده اتفاق می افتد را برای مردم بازگو می کرده اند، ولی در برخی امور و حوادث گزارش شده، بداء امکان دارد، یعنی آن اتفاق رخ ندهد و یا با برخی تغییرات تحقق پیدا کند.

لازم به یادآوری است که:

اولاً؛ بداء در همه ی امور رخ نمی دهد؛ بلکه تحقّق بعضـی امور، یقینی و براساس قواعد حتمیِ دین و اراده ی الهی است مانند اصل ظهور و سیطره ی کاملِ دینِ الهیِ اسلام بر

کل زمین.

ثانیاً؛ چگونگی و حیطه ی علم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت : امری بسیار پیچیده است؛ که بررسی آن، محل دیگری را می طلبد. با این حال روشن است که علم آنان از علم خدا نشأت می گیرد و از این رو، در صحت و اعتماد به آن ذره ای تردید نداریم. لذا اعتقاد به اصل بداء، نباید باعث شود که علم آن بزرگواران، مورد ابهام واقع گردد؛ بلکه علم آنان ــ همان گونه که بیان شد ــ قطعی و مورد اعتماد است. به علاوه آن که آنان به امکان وقوع بداء در امور، اشاره کرده اند.

پس بنابر اصل بداء، ممکن است حادثه ای که از سوی امامان: در جریان انقلاب حضرت مهدی علیه السلام پیش بینی شده، رخ ندهد یا با تغییراتی همراه باشد.

۲. تفاوت ظهور، خروج و قیام

در روایاتی که پیرامون انقلاب و حکومت عدلِ امام مهدی: موجود است، گاه از لفظ «ظهور» استفاده شده، گاه تعبیر «خروج» آمده و در مواردی، لفظ «قیام» به کار رفته

است. در بیشتر احادیث، این الفاظ، نمایانگر تحقّق و وقوع این رویداد شگرف و بزرگِ تاریخ بشریت، یعنی انقلاب حضرت مهدی علیه السلام می باشند؛ ولی باید بدانیم که هر کدام از این الفاظ، در برگیرنده ی پیام خاص خود نیز می باشد؛ چراکه امامان معصوم: بدون تأمّل، لفظی را انتخاب نمی-کرده اند.

این معنا در برخی احادیث که بین این الفاظ، فرق گذاشته اند، روشن تر است. برای مثال، ضمن روایتی از امام جواد علیه السلام نقل شده که ایشان فرموده اند: «هنگامی که این تعداد (۳۱۳ نفر) از اهل اخلاص جمع شدند، خدای تعالی، امر او (حضرت مهدی علیه السلام) را ظاهر سازد. پس زمانی که عقد برای او کامل گردید که (آن عقد) ده هزار مرد می باشد، به اذن خداوند، خروج کند».(۱)

از ظاهر این روایت، به خوبی روشن

۱- «فإذا اجتمعت له هذه العده من أهل الإخلاص أظهر الله أمره فإذا كمل له العقد و هو عشره آلاف رجل خرج بإذن الله عز و جل». كمال الدين و تمام النعمه، ج۲، ب۳۷، ح۲.

می شود که امام جواد علیه السلام بین ظهور و خروج فرق گذاشته اند. از نظر ایشان، زمانی که امام مهدی علیه السلام همراه با یاران، خود را به جهانیان معرفی می کند، ظهور، و زمانی که لشگریان به اندازه ی کافی جمع شده و مقدمات جنگ با دشمنان خدا فراهم گردد، خروج خواهد بود. به عبارت دیگر، ظهور، زمان آشکار شدن حضرت و خروج، هنگام شروع جنگ و قیام مسلحانه می باشد.

۳. دشواری خبر دادن از آینده

اشتیاق آدمی به دانستن حوادثی که در آینده واقع خواهد شد و نیز اطلاع از چگونگی آن ها، امری نیست که بتوان منکر آن شد؛ زیرا آگاهی از آینده باعث می شود که آدمی به دنبال یافتن راه مناسب برخورد با حوادث، خود را برای این مواجهه آماده کند و برنامه ریزی مطلوبی داشته باشد.

به عنوان مثال؛ چنان چه در رسانه ها مطرح شود که رهبر کشور قصد مسافرت به منطقه ای را دارند و این حضور، باعث جهشی بزرگ در بهبود وضعیت مردم آن منطقه خواهد شد، روشن است که مردم، خود را

برای این حضور و استفاده ی مطلوب از آن، آماده می کنند. یا اگر عنوان شود که در آینده ای نزدیک، زلزله ای در منطقه ای رخ خواهد داد، طبیعی است که این خبر تأثیرگزار، مردم را به تکاپو وا می دارد تا برای مقابله با زلزله و به حداقل رساندن آسیب ها و صدمههای احتمالی، راهکار مناسبی را پیدا کنند.

سخن گفتن از آینده، هر چند برای مردم مهم است و با شور و اشتیاق، اطلاع یافتن از آن را خواستارند؛ ولی امری بسیار سخت و دشوار می باشد؛ زیرا از طرفی، علم و دانش بشری، محدود است و از طرفی، امکان خطا نیز در معلوماتش وجود دارد. لذا گفتن سخن یقینی، در بسیاری موارد، برای انسان های عادی، امری محال و ناممکن است.

این مطلب شامل مباحث مهدویت نیز می-شود و تبیین حوادث پس از قیام حضرت را بسیار مشکل می کند؛ زیرا اگر چه بیان سیر حرکت آن بزرگوار، براساس روایات پیشوایان معصوم علیه السلام صورت می گیرد و علم آنان نیز از علم الهی نشأت گرفته و نه محدودیت علم بشر را

دارنـد و نـه خطـا در کلاـم آن هـا راه دارد، ولی اسـتفاده ی یقینی از مفـاد همـه ی روایـات مهـدوی و ترسـیم حقیقی و حتمی حرکت امام بر اساس آن ها، با چند مشکل روبرو است.

اولاً؛ شـیعه معتقـد به بـداء است و این اصل را در مورد چگونگی حرکت حضـرت مهدی علیه السـلام نیز محتمل می داند. لذا ممکن است با تغییر برخی شرایط و زمینه ها، برخی حوادث به گونه ای دیگر رقم بخورد.

ثانیاً؛ برخی از روایات مورد بحث، از جهت سند و محتوا دارای اشکال است.

ثالثاً؛ در مواردی، ائمه علیهم السـلام با توجه به سـطح فهم مخاطب و شـرایط آن زمان، مطالب را به نحوی تبیین می کردند که فهم کامـل منظور ایشـان را برای مـا دشوار کرده است. برای مثـال، در برخی روایـات مطرح شـده که در زمان ظهور، برخی از یاران حضرت، سوار بر ابر از شهر و منطقه ی خود به سوی مکه می آیند. اما سؤال این است که «سوار بر ابر» به چه معنا است؟ آیا امکان دارد که شخصی سوار بر تکه ای ابر شود؛ آن هم به گونهای که مردم هم بتوانند او را ببینند؟ مراد حقیقی از

این کلام امام چیست؟

بنابر آن چه گفته شد، در این نوشتار، سعی خواهیم کرد ضمن ترسیم کلی حرکت و قیام حضرت مهدی علیه السلام ، بیان و توضیح برخی از جزئیات را نیز به صورت احتمال، فرا روی خوانندگان قرار دهیم؛ تا علاوه بر فراهم شدن بستری برای آشنایی مناسب نسبت به خط سیر حضرت، احتمالات مختلف نیز در نظر گرفته شود.

منابع نوشتار

از آن جا که بنا در این نوشتار، بر ترسیم کلی حرکت حضرت علیه السلام به صورت صحیح و مورد قبول از نظر عقل و روایات است، سعی شده تا از منابع اصلی و قابل اعتبار، بهره گیری شود و روایاتی مورد استفاده قرار گیرد که در کتب اصلی و قدیمی ، مطرح، و به صورت متعدد، ذکر شده باشد.

ص:۱۹

بخش دوم: سیر ظهور

اشاره

فصل اول:مقدمات ظهور

اشاره

در ابتدا ذکر این نکته بسیار مهم است که آن چه در ادامه خواهد آمد، قطعی و یقینی نیست؛ بلکه بر اساس روایات، چنین نتیجه ای به دست آمده است.

ندای آسمانی

هنگامی که شرایط ظهور منجی فراهم شود و خداوند، زمان را برای امر ظهور مناسب بداند، مردم را بر این مهم، آگاه می-کند؛ تا جهانیان از اراده ی الهی بر تحقق ظهور، مطلع شوند. این زنگ بیدار باش _ که همان علائم ظهور و مخصوصاً ندای آسمانی در سال قبل از ظهور است _ به مردم، این آگاهی را می دهد که خداوند، اجازه ی ظهور را صادر کرده است.

از امـام رضـا علیه السـلام در حـدیثی، چنین نقـل شـده است: «به ناچـار فتنه ای شدیـد و مصـیبتبار رخ می دهـد که در آن، هر دوستی و صـمیمیت از بین می رود و آن، زمانی است که شـیعه، سومین نفر از فرزندان من (امام حسن عسکری علیه السلام) را از دست بدهـد؛ که اهل آسـمان و زمین بر او بگرینـد. چه بسـیار مردان و زنانِ با ایمان که هنگام ناپدید شدن آب گوارا (امام دوازدهم) دلسوخته و اندوهناک خواهند بود. گویا آنها را می بینم که در ناامیدترین حالت می باشـند. در آن هنگام، به ندایی که آن را از دور می شـنوند و گویی از نزدیک شـنیده انـد، فراخوانـده می شونـد و آن ندا، رحمت برای مؤمنان و عذاب برای کافران خواهد بود». مردم پرسـیدند: «آن ندا کدام است؟» فرمودند: «ندایی در ماه رجب؛ که سه مرتبه از آسمان شنیده خواهد شد...».(۱)

۱- «لابُدَّ مِنْ فِتْنَهٍ صَمَّاءَ صَیْلَم یَسْقُطُ فِیهَا کُلُّ بِطَانَهٍ وَ وَلِیجَهٍ وَ ذَلِکَ عِنْدَ فِقْدَانِ الشِّیعَهِ الثَّالِثَ مِنْ وُلْدِی یَبْکِی عَلَیْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ کَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَرَّانُ حَزِینٌ عِنْدَ فَقْدِ الْمَاءِ الْمَعِینِ کَأَنِّی بِهِمْ أَسَرَّ مَا یَکُونُونَ وَ قَدْ نُودُوا نِدَاءً یَسْمَعُهُ مَنْ بَعُدَ کَمَا یَسْمَعُهُ مَنْ قَرُبَ یَکُونُ رَحْمَهً لِلْمُؤْمِنِینَ وَ عَذَاباً عَلَی الْکَافِرِینَ فَقُلْتُ وَ أَیُّ نِدَاءٍ هُوَ قَالَ یُنَادَوْنَ فِی رَجَبٍ ثَلَاثَهَ أَصْوَاتٍ مِنَ السَّمَا...». غیبت طوسی، باب علائم ظهور، ص ۴۳۹، ح ۴۳۱؛ غیبت نعمانی، ب۱۰، ح ۲۸؛ معجم احادیث امام مهـدی(، ج۵، ص ۱۷۰، ح۱۵۹۷ و بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۸۹، ح۲۸.

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که فرمودند: «قائم علیه السلام خروج نمی کند؛ تا آن که در شب بیست و سوم ماه رمضان که شب جمعه خواهد بود، از دل آسمان، ندایی به اسم او بلند شود».(۱)

مکه محل ظهور

بر اساس روایات متعددی که از ائمه ی بزرگوار : صادر شده است، مکه و مسجد الحرام، مکان ظهور امام زمان علیه السلام خواهد بود؛ از این رو، پس از آنکه در ماه رجب و ماه

۱- «وَ لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يُنَادَى بِاسْمِهِ مِنْ جَوْفِ السَّمَاءِ فِي لَيْلَهِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَهَ جُمُعَه». غیبت نعمانی، ب۱۶، ح۶ ؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۴۷۲، ح۱۰۳۶؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۱۹،ح۴۸.

رمضان، ندای آسمانی، نزدیک بودن زمان ظهور را اعلام کرد، نگاه همه ی دوستان و دشمنان به طرف مکه دوخته می شود.

امام باقر علیه السلام در همین رابطه فرموده اند: «به درستی که قائم علیه السلام در میان گروهی به عددِ اهل بدر(۱)، از گردنه ی ذی طوی (کوهی کنار مکه) پائین می آید؛ تا آن که پشت خود را به حجر الاسود تکیه می دهد و پرچم پیروزی را به اهتزاز در می آورد».(۲)

از ظاهر روایات، چنین استفاده می شود که حضرت مهدی علیه السلام در آستانه ی ظهور، در شهر مدینه به سر می برند و از آن جا به طرف مکه خواهند رفت. برای مثال، وجود مقدس امام صادق علیه السلام در پاسخ یعقوب سراج که از ایشان

۱- سربازان اسلام در جنگ بدر به تعداد سیصد و سیزده نفر بودند.

۲- «أن القائم یهبط من ثنیه ذی طوی فی عده أهل بدر ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا حتی یسند ظهره إلی الحجر الأسود و یهز الرایه الغالبه». غیبت نعمانی، ب۲۰، ح۹؛ معجم احادیث امام مهدی، ج۳، ص۲۴۳، ح۷۷۱؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۴۱، ح۹۱.

درباره ی زمان فرج پرسیده بود، فرموده-انـد: «صاحب این امر، در حالی که میراث پیامبر گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله و سلـم را بـه همراه دارد، از مـدینه بـه طرف مکـه خـارج می شـود...تـا بـه مکه فرود آیـد... و از خداونـد، برای ظهـور، اجـازه بخواهد... پس در این هنگام، صاحب این امر ظهور خواهد کرد...».(۱)

لازم به ذکر است که در قطعی بودن مکه و مسجدالحرام به عنوان محل ظهور و حرکت انقلابی حضرت مهـدی علیه السـلام میان همه-ی مسلمین، اعم از شیعه و اهل سنت، اتفاق نظر می باشد؛ زیرا روایات متعدد و متنوعی که در این مورد صادر شده، راه شک و شبهه را مسدود کرده است. برای مثال، در برخی روایات، سخن از بیعت مردم با حضرت، در کنار درِ کعبه به میان آمده و در برخی، از سخنان آن عزیز در کنار کعبه، یاد شده است.

۱- «خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَهِ إِلَى مَكَّهَ بِتُرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ... حَتَّى يَنْزِلَ مَكَّه ... وَ يَسْتَأْذِنُ اللَّهَ فِي ظُهُورِ... فَيَظْهَرُ عِنْدَ ذَلِكَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْر»؛ کافی، ج۸، ص۲۴۴.

راهیان مکه

افرادی که پس از اعلام ظهور حضرت، به طرف مکه حرکت می کننـد را می توان به دو دسته تقسیم کرد: یاران حضرت و دشمنان ایشان (لشکر سفیانی).

یاران

همگام با حرکت حضرت مهدی علیه السلام به طرف مکه، یاران و اصحاب آن بزرگوار نیز حرکت خود را به طرف مکه، آغاز می کنند. به نظر می آید حضور یاران امام مهدی علیه السلام در مکه، به دو صورت تحقق می یابد:

الف) به صورت عادی؛ به این معنا که وقتی ندای آسمانی، نزدیکیِ ظهور را به اطلاع جهانیان رساند، برخی از یاران، مقدمات سفر به طرف مکه را فراهم کرده و همراه با زائران بیت الله و حاجیان، برای انجام مناسک حج و حضور نزد امام زمان علیه السلام به سوی مکه، به راه می افتند.

ب) به صورت غیر عادی و اعجاز گونه؛ به این معنا که در زمان ظهور، برخی از یاران، به امداد خداوند و به وسیله ی طیّ الارض،

وارد مکه خواهند شد. به این معنا که اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام در هر کجای زمین باشند، خداوند، آن ها را هنگام ظهور در مکه جمع می کند. چنان چه در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «...پس هر کس در راه باشد، در آن ساعات خواهد رسید و کسی که (نتوانسته باشد حرکت کند و) در راه نباشد، (به هنگام صبح ظهور) از بستر خود، ناپدید می شود و این همان فرمایش امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام است که فرمود: گم شدگانِ از بسترهایشان و نیز همان قول خداوند است که در نیکی ها پیشی بجوئید. هر کجا که باشید، خداوند، همگی شما را باز می آورد».(۱)

چند نکته پیرامون اجتماع یاران

اشاره

در مورد اجتماع یاران، چند نکته، قابل

۱- «فَمَنِ ابْتُلِیَ فِی الْمَسِیرِ وَافَاهُ فِی تِلْکَ السَّاعَهِ وَ مَنْ لَمْ یُبْتَلَ بِالْمَسِیرِ فُقِدَ عَنْ فِرَاشِهِ ... هُوَ وَ اللَّهِ قَوْلُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ(الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ فَاسْتَبِقُوا الْخَیْراتِ أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعا». نعمانی، ب۲۰، ح۶؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۵، ص۲۶، ح۱۴۵۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۴۱، ح۹۱.

تذکر است:

الف) پراکندگی یاوران در نقاط مختلف زمین

جناب عبدالعظیم حسنی می گوید: «به امام جواد علیه السلام عرض کردم: امیدوارم شما قائم اهل بیت محمد علیهم السلام باشید؛ که زمین را پر از عدل و داد می نماید؛ هم-چنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد. حضرت فرمود: ای ابالقاسم! هیچ یک از ما (اهل بیت علیهم السلام) نیست، مگر آن که قائم به امر خدای تعالی و هادی به دین الهی است. اما قائمی که خدای متعال توسط او زمین را از اهل کفر و انکار، پاک می سازد، کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده و شخصش از ایشان نهان است.... اصحاب او به تعداد اهلِ (جنگ) بدر و از نقاط مختلف زمین هستند...».(۱)

۱- «عَنْ عَبْدِ العَظِیم حَسَنِیٍّ قَالَ قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی إِنِّی لَأَرْجُو أَنْ تَکُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ الَّذِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً فَقَالَ یَا أَبَا الْقَاسِمِ مَا مِنَّا إِلَّا قائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ هَادٍ إِلَی دِینِ اللَّهِ وَ لکنّ الْقَائِمَ الَّذِی یُطَهِّرُ اللَّهُ(بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْکُفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ یَمْلَؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطاً هُوَ الَّذِی تُخْفَی عَلَی النَّاسِ وِلَادَتُهُ وَ یغیب عَنْهُمْ شَخْصُهُ... یَجْتَمِعُ إِلَیْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّهُ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِی الْأَرْضِ وَ ذَلِکَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً». کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۳۷، ح۲؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۵، ص۳۹، ح ۱۴۶۰؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۸۳، ح ۱۰.

ب) سرعت گردآمدن یاوران

اجتماع یاران و اصحاب آن بزرگوار، به سرعت انجام می پذیرد. امام باقر علیه السلام در توصیف چگونگیِ این تجمع فرموده اند: «در این قول خداوند: به سوی خیرها سبقت بگیرید، خیرات، ولایت اهل بیت : است و در این قول خداوند هر کجا که باشید، خداوند، همه ی شما را می آورد، مراد، اصحاب قائم علیه السلام است که سیصد و سیزده نفر می باشند. قسم به خدا، آن ها «امت معدوده» هستند (که خداوند، در آیه ی ۸ سوره هود، از آن ها یاد کرده است) و مانند پاره های ابر پائیزی، در یک ساعت گرد هم می آیند».(۱)

۱- «فِی قَولِ الله عزَّو جَلَّ (فَاستَبِقُوا الخیرات أینما تکونوا یأت بکم جمیعاً(قال: الخیرات الولایه، و قوله تبارک و تعالی (أینما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً(یعنی: اصحاب القائم الثلاثمائه و البضعه عشر رجلاً، قال: و هم والله «الامه المعدوده» قال: یجتمعون والله فی ساعه واحده قزع کقزع الخریف». کافی، ج۸، ص۳۱۳، ح۴۸۷؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۵، ص۲۸، ح۱۴۵۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۸۸، ح۲۶.

به نظر می رسد، یارانی که به سرعت و گاه، به صورت اعجاز آمیز در مکه حاضر می شوند، همان ۳۱۳ نفر می باشند و بقیه ی یاران، به صورت عادی و با طی کردن مسیر به حضرت مهدی علیه السلام ملحق می شوند و در جریان انقلاب، همراه ایشان خواهند بود.

ج) حرکت اعجاز آمیز برخی از یاران

در مورد کیفیت سیرِ اعجاز آمیزِ برخی از یاران امام زمان علیه السلام از زبان امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است: «اصحاب قائم علیه السلام ۳۱۳ نفر، مرد عجم هستند؛ که پاره ای از آنان در میان ابر، حمل داده شده و به نام، نام پدر، نسب و خصوصیات شناخته می شوند و بعضی از آنان، در حالی که در بستر خود خوابیده اند، به مکه برده می شوند و بدون قرار قبلی، با او دیدار

می کنند».(۱) البته حقیقت این مطالب، برای ما روشن نیست.

د) رجعت برخی از یارانِ از دنیا رفته

از برخی روایات، چنین برمی آید که در میان یاران خاصّ آن بزرگوار، که از جانب خداوند متعال، برگزیده خواهند شد، مؤمنان پاک و خالصی هستند که قبل از قیام امام، از دنیا رفته اند. اینان، هنگام ظهور حضرت، به دنیا باز خواهند گشت و در رکاب ایشان، جان فشانی خواهند کرد.

در روایتی از مفضل بن عمر به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است: «همراه قائم علیه السلام ۲۷ نفر مرد، ۱۵ نفر از قوم حضرت موسی علیه السلام که هدایت به حق می کردند و به عدالت حکم می نمودند، ۷ نفر از اصحاب کهف، یوشع بن نون (وصی

۱- « أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا أَوْلَادُ الْعَجَمِ بَعْضُهُمْ یُحْمَلُ فِی السَّحَابِ نَهَاراً یُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِیهِ وَ نَسَبِهِ وَ حِلْیَتِهِ وَ بَعْضُهُمْ نَائِمٌ عَلَی فِرَاشِهِ فَیُرَی فِی مَکَّهَ عَلَی غَیْرِ مِیعَادٍ». غیبت نعمانی، ب۲۰، ح۸؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۲۸۳، ح ۸۲۰؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۶۹، ح۱۵۷.

حضـرت عیسـی علیه السـلام)، سـلمان، ابودجانه ی انصاری، مقداد و مالک اشتر از پشت کوفه (یا کعبه) خارج می شوند. پس اینان، از انصار و حاکمان دولت ایشان می-باشند».(۱)

ه) همراهی زنان در قیام

زنـان نیز در این حرکت بزرگ، همگـام بـا مردان، حاضـر خواهنـد بود و به وظایفی که به آنان سپرده می شود، اقـدام خواهند کرد.

امام باقر علیه السلام ضمن روایتی طولانی فرموده اند: « قسم به خدا ۳۱۳ نفر می آیند؛ که در میان آن ها ۵۰ زن است».(۲)

۱- «یَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ(مِنْ ظَهْرِ الْکُوفَهِ سَبْعٌ وَ عِشْرُونَ رَجُلًا خَمْسَهَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَی(الَّذِینَ کَانُوا یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ وَ سَبْعَهٌ مِنْ أَهْلِ الْکَهْفِ وَ یُوشَعُ بْنُ نُونٍ وَ سَلْمَانُ وَ أَبُو دُجَانَهَ الْأَنْصَارِیُّ وَ الْمِقْدَادُ وَ مَالِکٌ الْأَشْتَرُ فَیَکُونُونَ بَیْنَ یَدَیْهِ أَنْصَاراً وَ حُکَّاماً». ارشاد مفید، ص۳۶۵؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۵، ص۱۲۲، ح۱۵۴۳؛ بحارالانوار، ج۵۳، ص۹۰، ح۹۵.

۲- «و یجیءُ والله ثلاثمائه و بضعه عشر رجلاً فیهم خمسون امرائه». معجم احادیث امام مهدی(، ج۵،ص۲۰،ح ۱۴۵۲.

دشمنان

پس از اعلام خبر ظهور، سپاهی از مخالفان و دشمنان حضرت ــ که در روایات، «لشگر سفیانی» خوانده شده اند ــ نیز حرکت به طرف سرزمین وحی را آغاز می کنند؛ تا به جنگ حضرت رفته و به زعم خود، انقلاب منجی مستضعفان را با شکست روبرو کنند.

انگیزه ی حرکت آنان، کاملاً روشن است؛ زیرا مانند سایر جباران و زورمداران، حیات و قدرت خود را در سایه ی نابودیِ حق می دانند و طبیعی است که با هر حرکت حقطلبانه ای به مبارزه برخیزند؛ به ویژه، اگر هدف این خیزش، نابودی کاملِ همه ی دژهای ظلم و سنگرهای ستم باشد و مصالحه با هیچ حکومت ظالمانه ای را برنتابد.

در حدیث بلندی از امام باقر علیه السلام پیرامون اوضاع و حوادث زمان ظهور، آمده است: «سفیانی، گروهی را به سمت مدینه روانه می کند و حال آن که مهدی علیه السلام از آن جا رهسپار مکه می شود. پس به فرمانده-ی سپاه سفیانی خبر می رسد که مهدی علیه السلام به جانب مکه بیرون شده است. او لشکری را به دنبال حضرت،

روانه می کند؛ ولی نمی توانند او را بیابند. سرانجام امام مهدی علیه السلام با حالت نگرانی، مانند سنت حضرت موسی علیه السلام، داخل مکه می شود».(۱)

چگونگی اطلاع یافتن دشمنان از امر ظهور و کجایی سرزمین قیام، تا حدی روشن است؛ چراکه پس از ندای آسمانی، دشمنان نیز مانند مؤمنان، طبیعتاً از آن حادثه ی بزرگ، آگاه می شوند.

اجتماع و ملاقات یاران با حضرت

چنین به نظر می رسد که پس از آن که یاران حضرت مهدی علیه السلام به صورت عادی یا اعجاز گونه، در مکه حاضر شدند، ابتدا با حضرت، دیدار خواهند داشت.

چنان چه از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل شده که ایشان در حالی که به ناحیه ی ذی

۱- «وَ یَبْعَثُ السُّفْیَانِیُّ بَعْثاً إِلَی الْمَدِینَهِ فَیَنْفِرُ الْمَهْدِیُّ مِنْهَا إِلَی مَکَّهَ فَیَبْلُغُ أَمِیرَ جَیْشِ السُّفْیَانِیِّ أَنَّ الْمَهْدِیَّ قَدْ خَرَجَ إِلَی مَکَّهَ فَیَبْعَثُ جَیْشاً عَلَی أَثَرِهِ فَلَا یُدْرِکُهُ حَتَّی یَدْخُلَ مَکَّهَ خائِفاً یَتَرَقَّبُ عَلَی سُنَّهِ مُوسَی بْنِ عِمْرَان...». نعمانی، ب۱۴، ح۶۷؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۳۷، ح۱۰۵؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۵، ص۲۳، ح۱۴۵۲.

طوی (کوهی در اطراف مکه) اشـاره می-نمود، فرمودنـد: «صاحب این امر در یکی از این درهٔ ها، غیبت خواهـد داشت؛ تا آن که قبل از خروج او، خادم مخصوصـش _ که پیوسـته همراه اوست _ با برخی از اصحاب او ملاقات می کند و می گوید: شما چنـد نفریـد؟ آنان می-گوینـد: حـدود چهل مرد. پس می گویـد: اگر صاحب خود را ببینید، چه خواهید کرد؟ آنان پاسخ می دهنـد: به خدا سوگند، اگر به ما دسـتور بدهد که کوه ها را از جا بکنیم، خواهیم کند. او در شب بعد، دوباره نزد آنان خواهد آمد و خواهد گفت: ده نفر از رهبران و برگزیدگان خود را نشان دهید. آنان، ده نفر را به او معرفی خواهند کرد. پس او، آنان را به همراه خود خواهد برد تا امامشان را ملاقات کنند و او، آنان را وعده ی شبِ بعد، خواهد داد».(۱)

۱- « یَکُونُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَیْبَهٌ فِی بَعْضِ هَذِهِ الشِّعَابِ ثُمَّ أَوْمَأَ بِیَدِهِ إِلَی نَاحِیَهِ ذِی طُوًی حَتَّی إِذَا کَانَ قَبْلَ خُرُوجِهِ بِلَیْلَتَیْنِ انْتَهَی الْمَوْلَی الَّذِی یَکُونُ بَیْنَ یَدَیْهِ حَتَّی یَلْقَی بَعْضَ أَصْحَابِهِ فَیَقُولُ کَمْ أَنْتُمْ هَاهُنَا فَیَقُولُونَ نَحْوٌ مِنْ أَرْبَعِینَ رَجُلًا فَیَقُولُ کَیْفَ أَنْتُمْ لَوْ قَدْ رَأَیْتُمْ صَاحِبَکُمْ فَیَقُولُونَ وَ اللَّهِ لَوْ یَأْوِی بِنَا الْجِبَالَ لَآوَیْنَاهَا مَعَهُ ثُمَّ یَأْتِیهِمْ مِنَ الْقَابِلَهِ فَیَقُولُ لَهُمْ أَشِیرُوا إِلَی ذَوِی أَسْنَانِکُمْ وَ أَخْیَارِکُمْ عَشَرَهً [عَشِیرَهً] فَیُشِیرُونَ لَهُ إِلَیْهِمْ فَیَنْطَلِقُ بِهِمْ حَتَّی یَأْتُونَ صَاحِبَهُمْ وَ یَعِدُهُمْ إِلَی اللَّیْلَهِ الَّتِی تَلِیهَ ».غیبت نعمانی، ب۱، ح۳۰؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۵، ص۲۶، ح۱۴۵۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۴۱، ح۹۱.

اما روشن نیست که مراد از «وعده ی شب بعد» چیست. آن چه از روایت دیگر استفاده می شود، اجتماع همه ی یاران، نزد حضرت، به منظور حرکت به طرف مسجد الحرام است؛ که گویا شب هنگام، صورت خواهد گرفت.

قتل نفس زکیه

بر اساس روایات، ۱۵ شب قبل از وقوع ظهور، شخصی در مسجد الحرام کشته می شود. قتل وی _ که به «قتل نفس زکیه» مشهور است _ یکی از پنج علامت حتمیِ ظهور محسوب می شود. چنان چه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «بین قیام قائم علیه السلام و کشته شدن نفس زکیه، پانزده شب، فاصله

خواهد بود».(۱)

از برخی روایات استفاده می شود که این شخص، جوانی است از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از آن جا که انسان پاک و وارسته ای بوده و بدون گناه کشته می شود، به «نفس زکیه» معروف گردیده است.

در فرازی از روایت امام باقر علیه السلام، محل شهادت وی، مسجدالحرام، مطرح شده است:«و جوانی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم که نام او، محمد بن حسن، نفس زکیه است، بین رکن و مقام کشته می شود».(۲)

در مورد علت و کیفیت کشته شدن وی نیز در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام چنین نقل

۱- «لیس بین قیام قائم آل محمّد و بین قتل النفس الزکیه الا خمسه عشر لیله». معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۲۹۱، ح۸۲۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۵۷، ح۲؛ غیبت طوسی، ف۷، ص۴۴۵، ح۴۴۰؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۰۳، ب۲۵، ح۳۰.

۲- «وَ قُتِلَ غُلَامٌ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ ص بَیْنَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسُ الزَّکِیَّه». کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ب۳۲، ح۱۶؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۹۱، ح۲۴.

شده است: «حضرت قائم علیه السلام به اصحاب خود می گوید: ای قوم، اهل مکه مرا نمی خواهند؛ ولی من کسی را به سوی آنان می فرستم؛ تا حجت را بر ایشان، تمام، و به آن چه سزاوار است، بر آن ها احتجاج کند. پس، مردی از اصحاب خود را فرا می خواند و به او می فرماید: به سوی اهل مکه برو و از طرف من به آنان بگو: به درستی که ما اهل بیتِ رحمت و معدن رسالت و خلافت و از فرزندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم و از تبار و سلاله ی پیامبرانیم. ما مورد ظلم و ستم واقع شده ایم و حق ما را از زمانی که پیامبرمان از دنیا رفت، گرفته اند. پس اکنون ما شما را به یاری می طلبیم؛ پس ما را یاری کنید. اما چون آن جوان، این کلام را بگوید مردم به سوی او بروند و او را بین رکن و مقام، ذبح کنند و اوست نفس زکیه».(۱)

۱- « يَقُولُ الْقَائِمُ(لِأَصْحَابِهِ يَا قَوْمِ إِنَّ أَهْلَ مَكَّهَ لَا يُرِيدُونَنِي وَ لَكِنِّي مُرْسِلٌ إِلَيْهِمْ لِأَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ بِمَا يَنْبَغِي لِمِثْلِي أَنْ يَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ فَيَدْعُو رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَيَقُولُ لَهُ امْضِ إِلَى أَهْلِ مَكَّهَ فَقُلْ يَا أَهْلَ مَكَّهَ أَنَا رَسُولُ فُلَانٍ إِلَيْكُمْ وَ هُوَ يَقُولُ لَكُمْ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَهِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَهِ وَ الْخِلَافَهِ وَ نَحْنُ ذُرِّيَّهُ مُحَمَّدٍ وَ سُلَالَهُ النَّبِيِّينَ وَ إِنَّا قَدْ ظُلِمْنَا وَ اضْطُهِدْنَا وَ قُهِرْنَا وَ ابْتُزَّ مِنَّا حَقُّنَا مُنْذُ قُبِضَ نَبِيُّنَا إِلَى يَوْمِنَا هَذَا فَنَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ فَانْصُرُونَا فَإِذَا تَكَلَّمَ هَذَا الْفَتَى بِهَذَا الْكَلَامِ أَتَوْا إِلَيْهِ فَذَبَحُوهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ هِيَ النَّفْسُ الزَّكِيَّهُ ». معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۲۹۴، ح۸۳۱؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۷، ح۸۱.

ص:۴۱

فصل دوم:ظهور منجی

اشاره

پس از آنکه شرایط ظهور حضرت مهدی علیه السلام فراهم شد و خداوند، به ایشان، اجازه ی ظهور داد، در میان مردم، ظاهر می شوند و انقلاب بزرگِ خود را آغاز می کنند. کیفیت و چگونگی اعلامِ ظهور را می توان چنین به تصویر کشید:

حرکت به طرف مسجد الحرام

با بررسی روایات مربوط به ظهور، می توان دریافت که پس از حضور یاران در مکه و دیدار آنان با حضرت، همگی در کوه ذی طوی مستقر می شوند. این استقرار، زمان کوتاهی بیش تر نخواهد بود؛ تا این که با اذن الهی و در روز موعود، امام علیه السلام و یاران به طرف مسجد

الحرام، حرکت، و از کنار کعبه، ظهور عدالت را اعلام می کنند.

امام باقر علیه السـلام در این باره فرموده–اند: «همانا قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف در میان گروهی به عدد اهلِ بدر (۳۱۳ نفر) از گردنه ی ذی طوی پائین می آیـد؛ تا این که پشت خود را به حجر الاسود تکیه می دهد و پرچم پیروزی را به اهتزاز در می آورد.»(۱)

روز حرکت

آن چه تقریباً مسلّم و مورد پـذیرش است، این است که آغـاز قیام بزرگ و جهانی امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف مقـارن با روز عاشورا خواهـد بود. این مطلب، در روایات مختلفی، مورد اشاره واقع شـده است. از امام صادق علیه السـلام نقل شده است: «در شب بیست و سوم (ماه رمضان) به اسم قائم علیه السلام ندا داده می شود و در روز عاشورا قیام می کند

۱- «إِنَّ الْقَـائِمَ یَنْتَظِرُ مِنْ یَوْمِهِ ذِی طُوًی فِی عِـدَّهِ أَهْـلِ بَـدْرٍ ثَلَاثِمِـائَهٍ وَ ثَلَـاثَهَ عَشَـرَ رَجُلًا حَتَّی یُسْـنِدَ ظَهْرَهُ إِلَی الْحَجَرِ وَ یَهُزُّ الرَّایَهَ الْمُغَلَّبَهَ». غیبت نعمانی، ب۲۰،ح۹؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۲۴۳، ح۷۷۱؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۷۰، ح۱۵۸.

و آن، روزی است که امام حسین علیه السلام در آن، کشته شد».(۱) در روایت دیگری نیز از ایشان، آمده است: «قائم علیه السلام در روز عاشورا قیام می کند».(۲)

شاید حکمت این تقارن، در این باشد که امام مهدی علیه السلام ادامه دهنده ی همان حرکتی خواهد بود که جد بزرگوارشان، امام حسین علیه السلام در کربلا و در روز عاشورا پایه ریزی کرد.

البته در این که آن روز عاشورایی که امام زمان علیه السلام در آن، قیام می کند، کدام روز از روزهای هفته خواهد بود، اختلاف است. برخی، طبق بعضی روایات، آن روز را روز شنبه می دانند؛ مانند روایتی که از امام صادق علیه السلام در ارشاد مفید بیان شده است. حضرت در ضمن آن روایت، می فرماید: «گویا او را می بینم که در

۱- «ینادی باسم القائم علیه السلام فی لیله ثلاث و عشرین و یقوم فی یوم عاشوراء و هو الیوم الذی قتل فیه الحسین بن علی ٨». ارشاد، ص۳۶۱؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۴۸۹، ح ۱۰۶۰.

۲- «یقوم القائم یوم عاشوراء». غیبت نعمانی، ب۱۴، ح۶۸؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۹۷، ح۵۶.

روز شنبه، دهم محرم، بین رکن و مقام ایستاده است و جبرئیل نـدای بیعت سر می-دهـد و شیعیان از اطراف به سمت ایشان می-آیند».(۱) از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است: «قائم علیه السلام روز شنبه و عاشورا خروج می-کند؛ روزی که در آن، امام حسین علیه السلام کشته شد».(۲)

در عین حال، برخی دیگر، روز جمعه را روز ظهور می دانند. اینان نیز به روایتی تمسک می کنند که از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «قائمِ ما اهل بیت: در روز جمعه خروج می کند».(۳)

شاید بتوان این روایات را چنین جمع

۱- «كأنی به یوم السبت العاشر من المحرم قائم بین الركن و المقام جبرئيل(بین یدیه ینادی بالبیعه لیمضین إلیه شیعته من أطراف الأرض». ارشاد، ج ۲، ص ۳۷۹.

۲- « یَخْرُجُ الْقَائِمُ(یَوْمَ السَّبْتِ یَوْمَ عَاشُورَاءَ الْیَوْمَ الَّذِی قُتِلَ فِیهِ الْحُسَیْنُ». کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۵۷، ح۱۹؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۲۹۳، ح۸۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۸۵، ح۱۷؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۹۰، ح ۳۰ و بحارالانوار، ج۹۸، ص ۱۹۰، ح۳.

۳- «یَخْرُجُ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ یَوْمَ الْجُمُعَه». خصال، ج۲، ص۳۹۴، ح۱۰۱؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۴۹۶، ح۱۰۶۷؛ بحارالانوار، ج۷، ص۵۹، ح۳.

کرد؛ که روز ظهور، روز جمعه است؛ اما روز شنبه، روزی است که لشکر ده هزار نفری حضرت، در مکه گرد آمده و تحت فرماندهی آن امیر بزرگ، جنگ با مشرکان را شروع خواهند کرد.

اعلام ظهور در مسجد الحرام

زمانی که حضرت با یاران، وارد مسجد الحرام می شوند، نزد مقام ابراهیم رفته و در آن جا چهار رکعت نماز می خوانند.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است: «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عقبه ی طوی، همراه با ۳۱۳ نفر مرد، به تعداد اصحاب بدر، خارج می شود و پائین می آید؛ تا این که به مسجد الحرام وارد می شود و نزد مقام ابراهیم، چهار رکعت نماز می خواند».(۱)

در روایات عامه (اهل سنت)، ورود امام

۱- «يَخْرُجُ فَيَهْبِطُ مِنْ عَقَبَهِ طُوًى فِي ثَلَاثِمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّهِ أَهْلِ بَدْرٍ حَتَّى يَأْتِيَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَيُصَلِّي فِيهِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ». معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۲۹۴، ح ۸۳۱؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۷، ح ۸۱.

مهدی علیه السلام در هنگام عشاء ذکر شده است. ابن حماد از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «مهدی علیه السلام هنگام عشاء، به مکه ظاهر می شود... پس هنگامی که نماز عشاء را خواند، ندا می دهد».(۱)

سخن حضرت

سپس حضرت به طرف کعبه رفته و کنار آن بیت شریف و نزد حجرالاسود، آن سنگ بهشتی، قرار می گیرد و با سخنان زیبا و رسای خود، ظهور حجت حق را اعلام می کند.

در لسان برخی از روایات، به فرازهایی از کلام آن بزرگوار، اشاره شده است. از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «پس هنگامی که او خروج کند، پشت خود را به کعبه، تکیه دهد و نزد او ۳۱۳ نفر اجتماع کنند؛ و اول چیزی که بگوید، این آیه ی شریفه است: بقیه الله خیرلکم ان کنتم مؤمنین. سپس بگوید: من بقیه الله و حجت و خلیفه ی او بر

۱- «یظهر المهدی بمکه عند العشاء... فإذا صلی العشاء نادی بأعلا صوته». معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۲۹۵، ح۸۳۲.

شمایم».(۱)

ایشان در آن هنگام، خطبه ا ی نیز قرائت می کنند؛ که به نقل از امام باقر علیه السلام چنین است:

«ای مردم! ما از خدا یاری می طلبیم. چه کسی (دعوت) ما را پاسخ می گوید؟ به درستی که ما خاندان پیامبرتان، محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، و شایسته ترین مردم به او و خداوند می باشیم. پس هر که با من، درباره -ی آدم علیه السلام احتجاج کند، پس من سزاوارترین مردم به آدم علیه السلام هستم؛ و هر کس با من، درباره ی نوح علیه السلام احتجاج کند، پس من سزاوارترین مردم به نوح علیه السلام هستم؛ و هر کس با من، درباره ی ابراهیم علیه السلام به احتجاج بپردازد، پس من شایسته ترین مردم به ابراهیم علیه السلام هستم؛ و هر کس درباره-ی محمد صلی الله علیه و آله و سلم با من به احتجاج برخیزد، پس من سزاوارترین مردم به محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم؛ و هر کس در مورد

۱- «فإذا خرج أسند ظهره إلی الکعبه واجتمع عنده ثلاثمائه وثلاثه عشر رجلا، وأول ما ینطق به هذه الآیه: (بقیه الله خیر لکم إن کنتم مؤمنین(، ثم یقول: أنا بقیه الله وحجته وخلیفته علیکم». معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۴۹۳، ح۱۰۶۳.

پیامبران با من احتجاج کند، پس من شایسته ترین مردم به پیامبران هستم.

مگر خداونـد در کتاب خود نمی فرماید: همانا خداوند، آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید. فرزندانی که برخی از آنان، از نسل پاره ای دیگر هسـتند و خداوند شنوا و دانا است(۱)پس من یادگاری هستم از آدم علیه السلام ؛ و به جا مانـده ای از نوح علیه السـلام ؛ و برگزیـده ای از ابراهیم علیه السـلام ؛ و ممتاز شـده ای از محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم . درود خداوند بر همه ی آنان باد.

به راستی، هرکس با من با کتاب خدا احتجاج کند، من شایسته ترین مردم به کتاب خدا هستم؛ و هرکس در مورد سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با من احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به سنت او هستم.

پس هر کس که امروز سـخن مرا می شـنود، به خـدا سوگنـد می دهم، که (سـخن مرا) به غائبان ابلاغ کند؛ و به حقّ خدا، حقّ رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم و به حقّ خودم ــ که حقّ خویشاوندی با رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم است ــ از شما می خواهم که ما

۱- آل عمران (۳): ۳۴.

را یاری نمائید و آن کس را که به ما ستم می کند، از ما باز بدارید؛ که ما مورد وحشت و ستم قرار گرفته ایم و از شهرها و فرزندانمان، رانده، و از حقّمان کنار زده شده ایم و بر ما ستم شده است و آنان که بر باطل هستند، بر ما نسبت ناروا بسته اند. پس خدا را، خدا را (به یاد آورید) در حقّ ما. ما را خوار نسازید و ما را یاری کنید؛ تا خدای تعالی شما را یاری دهد».(۱)

مراسم بیعت

پس از آن که وجود مقدس امام زمان علیه السلام ظهور خود را اعلام کند و مردم را به سوی خود و یاری از نهضت بزرگ فرا خوانَد، اولین کسی که با آن بزرگوار، بیعت خواهد کرد، جناب جبرئیل علیه السلام خواهد بود.

در خبر آمده است که بکیر بن اعین از امام صادق علیه السلام پیرامون حجرالاسود و مکان آن

۱- غیبت نعمانی، ب۱۴، ح۴۷؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۵، ص۲۳۸؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۳۷، ح۱۵.

پرسید. حضرت در ضمن پاسخ او فرمود: «در این مکان (رکنی از کعبه که حجر الاسود در آن قرار دارد) پرنده ای بر قائم علیه السلام نازل می شود. پس آن پرنده، اولین کسی است که با او بیعت می کند و قسم به خدا، او جبرئیل علیه السلام است».(۱)

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام بیعت جبرئیل علیه السلام چنین ترسیم شده است: «هنگامی که خدای متعال به قائم علیه السلام اجازه ی خروج دهد، بالای منبر می رود؛ مردم را به طرف خود دعوت می کند و آن ها را به خدا قسم می دهد که او را در احقاق حقّ خود یاری کنند و اعلام می-نماید که در میان آن ها به سیره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتار می کند.

پس خداوند، جبرئیل را بر می انگیزد تا به سوی او برود و در حطیم (مکانی در مسجد الحرام، بین حجرالاسود و درِ کعبه و مقام ابراهیم) بر او نازل شود و بگوید: به چه چیزی

۱- «وَ مِنْ ذَلِکَ الْمَکَانِ یَهْبِطُ الطَّیْرُ عَلَی الْقَائِمِ(فَأَوَّلُ مَنْ یُبَایِعُهُ ذَلِکَ الطَّائِرُ وَ هُوَ وَ اللَّهِ جَبْرَئِیلُ ». کافی، ج۴، ص۱۸۵، ح۳؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۴۹۴، ح۱۰۶۵؛ بحارالانوار، ص۲۹۹، ح۶۳.

دعوت می کنی؟ پس قائم علیه السلام او را خبر می دهد. پس جبرئیل می گوید: من اول کسی هستم که با تو بیعت می کنم. دستت را باز کن. پس دست آن حضرت را مسح می کند. پس از او، ۳۱۳ نفر بر حضرت وارد می شوند (مقابل حضرت می آیند) و با او بیعت می کنند. سپس جبرئیل علیه السلام ندا می دهد و مردم را به سوی دعوت الهی و یاری حضرت، فرا می خواند».(۱)

ایشان در جای دیگری فرموده اند: «گویا او را می بینم که در روز شنبه، دهم محرم، بین رکن و مقام ایستاده است و جبرئیل علیه السلام در طرف راست او ندا می دهد: البیعه لله؛ بیعت برای خداست. سپس شیعیانش از اطراف

۱- «إِذَا أَذِنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْقَائِمِ فِی الْخُرُوجِ صَعِدَ الْمِنْبَرَ وَ دَعَا النَّاسَ إِلَی نَفْسِهِ وَ نَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَی حَقِّهِ وَ أَنْ یَسِیرَ فِیهِمْ بِسِیرَهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ یَعْمَلَ فِیهِمْ بِعَمَلِهِ فَیَبْعَثُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ جَبْرَئِیلَ(حَتَّی یَأْتِیَهُ فَیَنْزِلُ عَلَی الْحَطِیمِ ثُمَّ یَقُولُ لَهُ: إِلَی أَیِّ شَیْ ءٍ تَدْعُو؟ فَیُخْبِرُهُ الْقَائِمُ(فَیَقُولُ جَبْرَئِیلُ: أَنَا أَوَّلُ مَنْ یُبَایِعُکَ ابْسُطْ یَدَکَ فَیَمْسَحُ عَلَی یَدِهِ وَ قَدْ وَافَاهُ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ بِضْعَهَ عَشَرَ رَجُلًا فَیُبَایِعُونَهُ». ارشاد مفید، ص۳۶۳؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۴۹۲، ح۱۰۶۲؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۷، ح۷۸.

زمین به سوی او می آیند».(۱)

وقایع مکه

در فاصله ی وقوع ظهور تا زمانی که حضرت، شهر مکه را به قصد سایر بلاد و شروع انقلاب، ترک نمایند، حوادثی رخ می- دهد و حضرت، اقداماتی انجام می دهند؛ که به پاره ای از آن ها اشاره می شود:

لشکریان

اشاره

آن چه از روایات استفاده می شود، حکایت از آن دارد که لشکریان حضرت را دو گروه ملائکه و انسان ها تشکیل می دهند؛ که با اجتماع آنان، قیام و حرکت حضرت شروع می شود.

ملائکه الهی

در روایات متعددی به حضور ملائکه در سپاه امام زمان علیه السلام ، به منظور نصرت و یاری

۱- «كَأَنِّی بِالْقَائِمِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ السَّبْتِ قَائِماً بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ جَبْرَئِيلُ(يُنَادِی الْبَيْعَةَ لِلَّهِ». ارشاد، ص۳۶۱؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۴۸۹، ح ۱۰۶۰.

ایشان، اشاره شده است.

امام باقر علیه السلام در این رابطه فرموده اند: «ملائکه ای که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در جنگ بدر یاری کردند، هنوز در زمین هستند و به آسمان نرفته اند؛ و بالا نخواهند رفت تا آن که صاحب این امر را یاری دهند و آنان، پنج هزار نفرند».(۱)

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز به نقل از پدر بزرگوارش، امیرالمؤمنین علیه السلام ، پیرامون وقایع آخرالزمان و قیام ولی عصر علیه السلام فرموده اند: «خداوند، او را با ملائکه ی خود، تأیید و یاری می کند».(۲)

انسان ها

همان گونه که بیان شد، ظهور حضرت در

۱- «إِنَّ الْمَلَائِکَهَ الَّذِینَ نَصَرُوا مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله و سلم یَوْمَ بَدْرٍ فِی الْأَرْضِ مَا صَعِدُوا بَعْدُ وَ لَا یَصْعَدُونَ حَتَّی یَنْصُرُوا صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ وَ هُمْ خَمْسَهُ آلَافٍ». معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۲۸۹، ج۸۲۴؛ بحارالانوار، ج۱۹، ص۲۸۴، ح۲۶.
۲- «یؤیدهُ الله بملائکته». معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۱۶۶، ح۶۹۲؛ بحارالانوار، ج۴۴، ص۲۰، ح۴.

مکه همراه بـا ۳۱۳ نفر تحقق پیـدا می کنـد. پس از ظهور، سـایر یـاران نیز خود را به مکه می رساننـد؛ تـا لشـگر ده هزار نفری حضرت مهیا شود.

در روایتی از ابو بصـیر نقـل شـده است: «مردی از اهـل کوفه از امـام صـادق علیه السـلام پرسـید: همراه با قائم علیه السـلام چه تعدادی خروج می کنند؟ مردم می گویند به تعداد اصـحاب بدر، سـیصد وسـیزده نفر با او خروج می کنند. حضـرت فرمود: او خروج نمی کند، مگر همراه با صاحبان قدرت و صاحبان قدرت، کمتر از ده هزار نفر نمی باشند».(۱)

از ایـن روایـت بـه خـوبی استفاده می شـود کـه بین ظهـور و خروج حضـرت، تفـاوت است. در روایـتی دیگر، کیفیت حرکت حضرت از زبان امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «قائم علیه السلام خروج نمی کند، مگر آن که حلقه (سپاه)

۱- «مَا یَخْرُجُ إِلَّا فِی أُولِی قُوَّهٍ وَ مَا یَکُونُ أُولُو الْقُوَّهِ أَقَلَّ مِنْ عَشَرَهِ آلَافٍ». کمال الـدین و تمام النعمه، ج۲، ب۵۷، ح۲۰؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۴، ص۵، ح۱۰۷۸؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۲۳، ح۳۳.

کامل شود؛ و آن، ده هزار نفر است. جبرئیل علیه السلام طرف راست و میکائیل علیه السلام طرف چپ آن حضرت خواهند بود. سپس پرچم را به اهتزاز در می آورد و با آن حرکت می کند».(۱)

در روایت دیگری که از عبدالعظیم حسنی نقل شده، به روشنی، شروع حرکت مسلحانه به اجتماع ده هزار مرد، مشروط دانسته شده است. امام جواد علیه السلام بنابر این نقل، پس از بیان برخی ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام می فرمایند: «اصحاب او به تعداد اصحاب بدر، سیصد وسیزده نفر مرد، از نقاط مختلف زمین، به سوی او اجتماع می کنند و این، همان قول خداوند عزیز و جلیل است که هر کجا که باشید خداوند همه شما را می-آورد. به درستی که او بر هر کاری توانا است(۲)و چون این تعداد از اهل اخلاص، گِرد او جمع شدند، خدا امر او را ظاهر می کند. پس هنگامی که عقد _ که ده

۱- غیبت نعمانی، ف۱۹، ح۲؛ معجم احادیث امام مهدی(، ص۳۷۸، ح ۹۴۰؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۶۷، ح۱۵۲.
۲- بقره (۲): ۱۴۸.

هزارنفر مرد هستند ـــ برای او کامل شد، به اذن خدای عزیز و جلیل، خروج می کند. پس دشـمنان خدا را می کشد؛ تا خدای عزیز و جلیل راضی شود».(۱)

انتشار خبر «خسف بیداء»

گفته شد که پس از اعلام ظهور، لشکر سفیانی به طرف مکه به راه می افتند. اما این لشکر شیطانی، قبل از رسیدن به مدینه، در منطقه ای به نام «بیـداء» دچار عـذاب الهی شده و در زمین، فرو می روند؛ به گونه ای که فقط دو یا سه نفر از آنان، نجات پیدا می کنند؛ تا دیگران را از این واقعه آگاه نمایند.

از وجود مقدس امام باقر علیه السلام ضمن روایت

۱- «أَصْحَابُهُ عِدَّهَ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِی الْأَرْضِ وَ ذَلِکَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّهُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ أَمْرَهُ فَإِذَا أُکْمِلَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشَرَهُ آلَافِ رَجُلٍ خرج بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَا یَزَالُ یَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ». کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۳۶، ح۲.

بلندی، چنین نقل شده است: «... فرمانده سپاه سفیانی در صحرا فرود آید. پس منادی از آسمان ندا دهد: ای دشت بیداء، آن قوم را نابود کن. سپس دشت، آنان را در خود فرو می برد و هیچ یک از آنان نجات پیدا نمی-کند؛ مگر سه نفر؛ که خداوند، روی آن ها را به پشت برمی گرداند و ایشان از (قبیله ی) کلب هستند و این آیه، در مورد آنان نازل شده است: ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، به آن چه ما نازل کرده ایم ایمان بیاورید؛ که تصدیق کننده ی چیزی است که نزد شماست (تورات و انجیل)؛ پیش ازآن که چهره هایی را محو سازیم و آن ها را به پشتشان برگردانیم(۱)».(۲)

۱- نساء (۴): ۴۷

۲- «يَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَبِيدِي الْقَوْمَ فَيُخْسَفُ بِهِمْ فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَهُ نَفَرٍ يُحَوِّلُ اللَّهُ وُجُوهَهُمْ إِلَى أَقْفِيَتِهِمْ وَ هُمْ مِنْ كَلْبٍ وَ فِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَهُ يا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقاً لِما مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّها عَلى أَدْبارِها». غیبت نعمانی، ب۱۴، ح۶۷؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج۵، ص۲۳، حاشیه۱۴۵۲؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۳۷، ح۱۰۵.

در روایتی که عیاشی از امام باقر علیه السلام نقل کرده، نیز آمده است: «آن دو از آن چه برای یارانشان واقع می شود، به مردم خبر می دهند».(۱)

در برخی روایات عامه، اسم آن دو نفری که نجات خواهند یافت، «بشیر» و «نذیر» عنوان شده است. بر اساس همان روایات، بشیر به مکه و خدمت امام مهدی علیه السلام خواهد رفت و بشارت نابودی لشکر سفیانی را به ایشان خواهد داد و نذیر نیز به طرف سفیانی رفته و او را از واقعه با خبر خواهد کرد.(۲)

اصلاحات در مکه

اشاره

در برخی روایات مهدوی، مطرح شده است که امام زمان علیه السلام پس از ظهور، اصلاحاتی را در مکه انجام می دهند. البته از آن جا که به زمان انجام اصلاحات، اشاره ای نشده، این احتمال

۱- «یخبران الناس بما فعل بأصحابهما». تفسیر عیاشی، ج۲، ص۵۶، ح۴۹؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۵، ص۲۷، ح۱۴۵۳.

۲- معجم احادیث امام مهدی(، ج۱، ص۴۹۷، ح۳۳۵.

موجود است که مربوط به دوران پس از استقرارِ حکومتِ ایشان باشد.

الف) اصلاح امر طواف

بـا توجه به گسترش جمعیت و محـدودیت مکـانیِ اطرافِ کعبه، امر طواف در مواردی با کنـدی و مشـکل رو به رو می شود و طواف کنندگان نمی توانند به صورت صـحیح، به این عبادت ارزشمند اقدام کنند. با این اوصاف، اگر طواف کنندگان، مُحرِم باشـند و بخواهنـد طواف واجب انجـام دهنـد، طبیعی است که ازدحـام جمعیت، کـار را بر آنان دشوار می سازد و حتی ممکن است در انجام این عمل واجب، دچار اشـکال -شوند. از این رو، یکی از اولین اقدامات حضـرت، تسـهیل امر طواف برای افراد محرم می باشد.

در این زمینه، از امـام صادق علیه السـلام روایت شـده است: «اول چیزی که قائم علیه السـلام از عـدل خود نشان می دهـد، این است که شخصی از جانب او ندا می دهد: کسانی که طواف مستحب انجام می

دهند، حجر الاسود و (محل) طواف را به طواف کنندگان واجب تسلیم کنند».(۱)

ب) حفظ اموال عمومی

از دیگر اموری که حضرت قائم علیه السلام به آن همت می گمارد، توجه به اموالی است که مربوط به عموم مردم می باشد و بایـد منفعت و سود آن در راه اسـتفاده ی عموم قرار گیرد. از جمله ی این اموال، هر آن چیزی است که مربوط به خانه ی خدا باشد؛ که باید تحت سرپرستی ولیّ خدا و در راه رضایت خدا به مصرف برسد.

به نظر می آید با توجه به حکومت حاکمان ظلم و جور در دوره های مختلف، برخی از متولیان مسـجد الحرام، دستِ تعدی به طرف این اموال، دراز، و آن ها را سرقت می کرده اند. اما با ظهور حجت خدا و تسلط او بر مکه،

۱- «أول مـا یظهر القـائم من العـدل أن ینـادی منادیه أن یسـلم صاحب النافله لصاحب الفریضه الحجر الاسود والطواف». کافی، ج۴، ص۴۲۷، ح۱؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۴، ص۶۴، ح۱۱۳۷؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۷۴، ح۱۶۹.

جلوگیری از سرقت این اموال و اجرای حد بر سارقان، در دستور کار ایشان قرار می-گیرد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام پیرامون اقدامات امام زمان علیه السلام آمده است: «او اول کاری که می کند، با بنی شیبه است. دست های آنان را می بُرد؛ از درِ کعبه آویزان می کند و منادی او ندا می دهد: اینان سارقان (خانه ی) خدایند».(۱)

در روایتی از سدیر صیرفی به نمونه ای از این سرقت ها اشاره شده است. وی از یکی از اهالی جزیره نقل کرده است: «من کنیزی را نذر خانه ی خدا کرده و او را به مکه آورده بودم. از این رو، پرده داران خانه ی خدا را ملاقات، و آن ها را از نذر خود آگاه می کردم. مطلب را که برای هر کدام از آنان، بیان می-کردم، می گفت: کنیز را نزد من بیاور؛ خدا نذرت را خواهد پذیرفت. پس وحشت شدیدی مرا فرا گرفت. جریان را با یکی از یارانم ــ که

۱- «یَبْدَأُ بِبَنِی شَیْبَهَ فَیَقْطَعُ أَیْدِیَهُمْ لِأَنَّهُمْ سُرَّاقُ بَیْتِ اللَّهِ تَعَالَی». غیبت نعمانی، ب۱۹، ح۲؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۳۸۶، ح ۹۴۰؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۶۰، ح۱۲۹.

اهل مکه بود ــ در میان گذاشتم. او گفت: به این مرد که روبروی حجرالاسود نشسته است، بنگر. او ابو جعفر، محمد بن علی، امام باقر علیه السلام است. نزد او برو و جریان نذر و کلام پرده داران را تعریف کن.

سپس من نزد امام رفتم و با ایشان صحبت کردم. امام پس از اطلاع از موضوع، فرمود: بنده ی خدا! همانا خانه ی خدا نه چیزی می-خورد و نه می آشامد. پس کنیز خود را بفروش و در میان همشریانت که به زیارت این خانه آمده اند، جستجو کن. سپس آن مبلغ را به هر کدام از آنان که پولش تمام گشته بده؛ تا قادر به بازگشت به شهر خود باشد.

من نیز همان کار را کردم و بعد از آن، هیچ یک از پرده داران را ملاقات نمی کردم، مگر این که وقتی از جریان آگاه می شد، می-گفت: او مردی دروغگو و ناآگاه است. من گفته ی آنان را به امام باقر علیه السلام اطلاع دادم. ایشان فرمود: سخن آنان را به من گفتی. آیا سخن مرا نیز به آن ها می رسانی؟ گفتم: آری. فرمود: به آن ها بگو، ابوجعفر برای شما پیام داد، چگونه خواهید بود اگر دست ها و پاهایتان بریده شود و درِ کعبه

آویخته گردد. سپس به شما گفته شود: فریاد کنید که ما دزدان کعبه ایم. هنگامی که خواستم برخیزم، ایشان دوباره فرمود: البته من آن کار را نمی کنم؛ بلکه آن را مردی از خاندان من، انجام خواهد داد».(۱)

ج) بازسازی مسجد الحرام

مسجد الحرام، در طول تاریخ بنای خود، بارها توسط سیل یا حمله و درگیری، ویران، و مجدداً بازسازی شده؛ که در طی این دوره ها، تغییرات اندکی نیز در آن ایجاد شده است. از این رو، گویا یکی از برنامه های اصلاحی امام زمان علیه السلام برگرداندن مسجد الحرام و خانه ی کعبه، به حالت اولیه ی آن است.

چنان چه امام صادق علیه السلام فرموده-اند: «قائم علیه السلام مسجد النبی و مسجدالحرام را خراب می کند و به صورت نخستینِ آن ها می سازد و کعبه را به

۱- غیبت نعمانی، ب۱۳، ح۲۵؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳،ص۳۰۴، ح۸۴۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۴۹، ح۱۰۲.

موضع اصلیِ خود برمی گرداند».(۱)

۱- «القائم یهدم المسجد الحرام حتی یرده إلی أساسه و مسجد الرسول ص إلی أساسه و یرد البیت إلی موضعه و إقامه علی أساسه». غیبت طوسی، ص۴۷۲، ش۴۹۲؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۲، ح۵۷؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۸، ح ۸۰؛ ارشاد، ص۳۶۴، ح۳.

ص:۶۷

فصل سوم: فتح عالم

اشاره

پس از آن که حضرت، در مکه ظاهر شده، آن جا را به تصرف در آورد و حاکمیت خود را در آن شهر مقدس، برقرار کرد، حرکت انقلابی را برای انهدام سنگرهای دشمن، فتح عالم و سرانجام، برقراری حکومت عدلِ جهانی شروع خواهد کرد.

مدینه الرسول

بر اساس برخی روایات، اولین شهری که امام زمان علیه السلام و لشگریانش به آزادسازی آن همت می گمارند، شهر مقدس پیامبر، مدینه خواهد بود؛ شهری که نیاکان پاک ایشان را در خود جای داده است؛ شهری که بقیع مظلوم را در دل خود دارد.

امام صادق علیه السلام در تبیین چگونگی شروع حرکت امام زمان علیه السلام فرموده-اند: «او در مکه می

مانـد تـا این که تعـداد اصـحاب و یـاران او به ده هزار نفر برسـد. سـپس (بـا تکمیل لشـگر) از مکه به طرف مـدینه حرکت می کند».(۱)

امـا روایـات معتبر، در مورد این که چه اتفاقـات و حوادثی در این شـهر رخ می دهـد، ساکت هسـتند؛ فلـذا در این باره، مطلب خاصـی که قابـل اعتبـار باشـد، در دسترس نیست. بـا این حـال، آن چه محتمل است، پاکسازی این شـهر مقـدس از انسان های منـافق و دشـمنان خـدا است؛ چنان چه در برخی منابع نیز مطالبی پیرامون دو خلیفه و فتنه ای که در مورد آن دو رخ می دهـد، گفته شده است.(۲)

حرکت به طرف عراق

پس از آن که امر مدینه سامان یافت، حضرت، حرکت خویش را به طرف عراق و کوفه

۱- «ویقیم بمکه حتی یتم أصحابه عشره آلاف نفس، ثم یسیر منهـا إلی المـدینه». ارشـاد، ص۳۶۳،ح۱؛ معجم احـادیث امام مهدی(، ج۳، ص۴۹۲، ح۱۰۶۲؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۷، ح۷۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ب۲۳، ح۲.

آغاز خواهد کرد. در این که در طول این مسیر، چه حوادثی رخ خواهد داد، مطلب شفاف و روشنی از روایات استفاده نمی شود؛ هرچند مرحوم مجلسی به نقل از تفسیر عیاشی، روایت بلندی را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است، که در قسمتی از آن، به گفتگویی که بعد از خروج از مدینه، بین امام زمان علیه السلام و یکی از سربازان شکل خواهد گرفت، اشاره می شود.

بر اساس آن روایت، زمانی که امام به ثعلبیه خواهد رسید، مردی از صلب پدر او (یکی از سادات) که قوی هیکل و شجاع نیز هست، به ایشان خواهد گفت: «ای فلان! چه می کنی؟ قسم به خدا، (با این شدت برخوردها و عدم مصالحه با دشمنان و منافقان) مردم را مانند پراکنده شدن چهارپایان، پراکنده کرده ای. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از شما پیمان گرفته است که چنین کنی یا علت دیگری دارد؟» پس یکی از موالیان امام زمان علیه السلام به او می گوید: «ساکت باش؛ وگرنه گردنت را می زنم». در این هنگام، امام زمان علیه السلام می فرماید: «من عهدی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دارم» و سپس عهد را می خواند. پس آن مرد جلو می-آید و سر مبارک

ایشان را می بوسد و تجدید بیعت می کند.(۱)

در رابطه با این روایت، برخی معتقدند، علت برخورد ناشایست آن مرد، شک و تردید در حقانیت عمل امام مهدی علیه السلام نخواهد بود؛ بلکه در نظر دارد به مردم تفهیم کند که عمل و رفتار حضـرت، براساس وظیفه ای است که از طرف خدا بر عهده ی ایشان قرار گرفته است؛ وگرنه، امکان ندارد یکی از اصحاب ایشان، چنین گستاخانه سخن بگوید.

هرچند، با توجه به نقصان علم و متفاوت بودن لشگریان از حیث معرفت و شناخت نسبت به جایگاهِ امام، و نیز با در نظر گرفتن شدتِ برخوردِ حضرت با معاندان، امکان چنین برخورد و گفتگویی، چندان بعید به نظر نمی رسد.

کوفه

اشاره

اکثر روایاتی که به سیر حرکت امام مهدی علیه السلام در عراق مربوط می شوند، به کوفه و

۱- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

حوادث آن پرداخته اند. کوفه، از زمان تأسیس، یکی از شهرهای مهم عراق بوده و هست. این شهر، پایتخت حکومت حضرت علی علیه السلام ، و در حرکت امام حسین علیه السلام _ که منجر به حادثه ی بزرگ کربلا شد _ نیز نقش آفرین بوده است.

به عبارت روشن تر، این شهر، کانون حوادث و معادلات عراق به شمار می رود. همه ی طیف ها و گروه ها، اعم از دوستان و دشمنان اهل بیت:، توجه خاصی به این شهر داشته و دارند. در جریان ظهور نیز این شهر، کانون حوادث خواهد گشت و سپاه حق و باطل، نسبت به آن برنامه ریزی خاصی خواهند داشت. وقایع و حوادث مربوط به کوفه ی پس از ظهور را _ که در روایات، عنوان شده است _ می توان این چنین دسته بندی کرد:

الف) درگیری بیرون کوفه

زمانی که امام زمان علیه السلام از مدینه حرکت کرده و وارد عراق خواهند شد، در محلی نزدیک کوفه، لشکر خود را ساماندهی خواهند کرد؛ که روایات مهدوی، آن محل را «نجفِ

کوفه» معرفی کرده انـد.(۱) چنـان چه از امـام صـادق علیه السـلام منقول است: «گویـا قائم علیه السـلام را می بینم که بر نجف کوفه (تپه بلندی، نزدیک کوفه) قرار دارد».(۲)

هم چنین مرحوم مجلسـی به نقل از تفسـیر عیاشی، از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «گویا آن سیصد و سیزده مرد ـ که قلوب آن ها، ماننـد پاره های آهن است ـ را میبینم؛ که از بلندیِ (نزدیکِ) کوفه بالا می-روند و جبرئیل علیه السـلام از طرف راست و میکائیل علیه السـلام از طرف چپِ امامِ آن ها حرکت می کنـد. خداونـد، به فاصـله ی یک ماه از جلو و از پشت سـر، ترسی از او در دل مخالفانش می اندازد (تا فاصله ای که در طول یک ماه می توان طی کرد، دشمنان از ایشان می ترسند) و او را با پنج هزار مَلَک، کمک می کند. هنگامی که به بالای بلندی می رسد،

۱- نجف در لغت به معنای بلندی و تپه ای می باشد که آب به بالای آن نمی رسد.

۲- «کـأنی بالقائم علی نجفِ الکوفه». کامل الزیارات، ص۱۱۹، ب۴۱، ح۵؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۴، ص۱۶، ح۱۰۹۶؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۲۸،ح۴۸.

به اصحابش می گوید: امشب را به عبادت مشغول شوید. پس آن ها شب زنده داری می-کنند؛ در حالی که در رکوع و سجده اند و به درگاه خدا تضرع می کنند؛ تا آن که صبح می-شود. پس از طریق نخیله، حرکت خود را ادامه می دهند. در این هنگام، عده ای به مخالفت حضرت علیه السلام از کوفه خارج می شوند؛ که حدود شانزده هزار نفر بتریّه و گروهی از لشگر سفیانی خواهند بود»(۱)در روایتی، گروه بتریه از افرادی معرفی شده اند که قاریان قرآن و آشنا به مسایل دین بوده، و پیشانی آن ها از شدت سجده، پینه داشته؛ ولی نفاق، همه ی وجودشان را گرفته بوده است.

اینان با گستاخی به حضرت خواهند گفت: «به همان جا که از آن، آمد ه ای بر گرد. ما

۱- «كَأَنِّی بِالْقَائِمِ(عَلَى نَجَفِ الْكُوفَهِ وَ قَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّهَ فِی خَمْسَهِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَهِ جَبْرَئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُوَ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ فِی الْبِلَادِ». معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۳۰۶، ح۸۴۵؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۴۱، ح۹۱.

حاجتی به فرزندان فاطمه۳ نداریم»(۱)سپس جنگ در خواهد گرفت و همه ی مخالفان کشته خواهند شد؛و این، در زمانی است که حضرت مهدی علیه السلام پرچم فتح را به اهتزاز در آورده است.(۲) (گویا جمل و نهروان دوباره تکرار می شود.)

ب) تسلط بر کوفه

پس از نابودی لشکر مخالفان، حضرت مهدی علیه السلام و یارانش وارد شهر کوفه شده و منافقان را نیز نابود خواهند کرد.(۳) بر اساس روایات، در کوفه، سه پرچم (و به عبارت دیگر، سه گروه) به حالت اضطراب و سرگردانی خواهند بود؛ تا آن که کوفه تحت سیطره ی

۱- «وکلهم یقولون: یا بن فاطمه ارجع لا ـ حاجه لنا فیک». معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۳۰۶، ح۸۴۵؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۳۰۸، ح۸۴۷.

۲- معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۲۹۸، ح۸۳۵؛ غیبت نعمانی، ب۱۹، ح۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۲۶، ح۴۱.

۳- ارشاد، ص۳۶۴، ح۵؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۳۰۸، ح۸۴۷.

حضرت مهـدی علیه السـلام قرار گیرد. پس حضـرت به منبر تشـریف خواهند برد و خطبه-ای خواهند خواند و در همان حال، مردم به شدت گریه خواهند کرد. (۱) گویا سید حسنی نیز در آن جا با حضرت، ملاقات و بیعت خواهد کرد.(۲)

ج) جنگ با سفیانی

پس از تسـلط بر کوفه و برقراری آرامش در آن، امـام مهـدی علیه السـلام و لشـکریان ایشـان، برای جنـگ بـا سـفیانی از کوفه خارج خواهنـد شد. در برخی روایات، کیفیت این رویارویی ــ که منجر به قتل سـفیانی می شود ــ این گونه به تصویر کشـیده شده است:

زمـانی که دو لشـکر اسـلام و کفر، در منطقه ای به نـام رمله، مقابل یک دیگر قرار خواهنـد گرفت، ابتـدا، حضـرت آنان را به کتاب خدا و

۱- ارشاد، ص۳۶۲، ح۲؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۳۰۰، ح۸۳۷؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۰، ح۵۳.
۲- غیبت طوسی، ص۴۶۸، ح۴۸۵؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۳۰۱، حاشیه حدیث ۸۳۷؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۰، ح۵۳.

سنت پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم دعوت خواهـد کرد. سـپس بین ایشـان و سـفیانی ملاقـاتی صورت خواهـد گرفت؛ که سفیـانی در ضـمن آن، اظهـار تسـلیم و تبعیت خواهـد کرد؛ امـا هنگـامی که خـبر به لشـکریان او می رسـد، تسـلیم را نخواهند پـذیرفت. سـرانجام میان دو گروه، جنگ در خواهـد گرفت و لشـکریان سـفیانی، منهدم و نابود، و سـر سـفیانی نیز از بدن جدا خواهد شد.(۱)

د) پایتخت حکومت مهدوی

در روایتی از وجود مقدس امام باقر یا امام صادق علیهما السلام نقل شده است: « عدل خدا از کوفه ظاهر می شود و در آن جا قائم علیه السـلام و حاکمانِ بعـد از او خواهند بود».(۲) در روایت دیگری از امـام باقر علیه السـلام آمـده است: «گویا قائم علیه السلام را بر نجف کوفه

۱- معجم احـادیث امام مهـدی(، ج۳، ص۳۱۴، ح۸۵۲؛ معجم احادیث امام مهـدی(، ج۳، ص۳۱۶، ح۵۵؛ معجم احـادیث امام مهدی(، ج۵، ص۲۸، ح۱۴۵۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۴۱، ح۹۱و ص۳۸۸، ح۲۰۶.

۲- «ومنها یظهر عـدل الله، وفیها یکون قائمه والقوام من بعده». کامل الزیارات، ص۳۰، ب۸، ح۱۱؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۳۰۲، ح۸۳۹؛ بحارالانوار، ج۱۰۰، ص۴۴۰، ب۱۷، ح۱۷.

(بلندی آن) می بینم و او، لشکریان را به شهرها و اطراف می فرستد».(۱)

آن چه از این روایات و مشابه آن، استفاده می شود، آن است که حضرت مهدی علیه السلام شهر کوفه را به عنوان مقرّ حکومت خود، انتخاب خواهند کرد.

مسجد سهله

در عن حالی که شهر کوفه، محل حکومت خواهد بود، حضرت، مسجد سهله را منزلگاه خود قرار خواهد داد؛ چنان چه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «بدانید که مسجد سهله، منزل صاحب ما خواهد بود. او هنگامی که قیام کند، با اهل خود، در آن جا مستقر خواهد شد».(۲)

۱- «کأنی بالقائم علی نجف الکوفه... وهو یفرق الجنود فی البلاد». ارشاد، ص۳۶۲، ح۱؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۲۹۹، ح۸۳۶؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۶، ح۷۵.

۲- «ذُکِرَ مَسْجِدُ السَّهْلَهِ فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ مَنْزِلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَدِمَ بِأَهْلِهِ». کافی، ج۳، ص۴۹۵، ح۲؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۵۰۲، ح۱۰۴۷؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۱، ح۵۴.

ایشان در جای دیگری نیز فرموده اند: «گویا نزول قائم علیه السلام و اهلش را در مسجد سهله می بینم». راوی از ایشان پرسیده است: «آیا آن جا منزل او خواهد بود؟» امام در جواب فرموده اند: «آری؛ آن جا منزل حضرت ادریس علیه السلام بوده و خداوند، هیچ پیامبری را مبعوث نکرده، مگر آن که در آن جا نماز گذارده است. مقیم در آن جا، مانند مقیم در خیمه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست، مگر این که قلبش مشتاق به آن جا است. شب و روزی نیست، مگر آن که ملائکه ی خدا به آن مسجد وارد شده و خدا را در آن عبادت می کنند».(۱)

۱- «کَأَنِّی أَرَی نُزُولَ الْقَائِمِ(فِی مَسْجِدِ السَّهْلَهِ بِأَهْلِهِ وَ عِیَالِه». معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۵۰۳، ح۱۰۷۵؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۱۷، ح۱۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۷۶، ح۱۷۷.

یادآوری

هر چند مساجد، خانه ی خدا و مکان مقدسی هستند و احکام خاصی نیز دارند، اما به اراده و امر خداوند، در مواردی استثنا خواهند داشت؛ مانند ولادت امام علی علیه السلام در درون کعبه، یا بسته شدن در همه-ی خانه های منتهی به مسجدالنبی، جز در خانه ی پیامبر و امام علی علیهما السلام. بر اساس همین قاعده، مسجد سهله نیز می تواند محل استقرار امام مهدی علیه السلام باشد.

نزول حضرت عیسی علیه السلام

یکی از وقایع مهم پس از ظهور ــ که روایات متعددی به آن اشاره کرده اند ــ نزول حضرت عیسی علیه السلام و نماز خواندن آن بزرگوار، پشت سر حضرت مهدی علیه السلام می باشد. امام صادق علیه السلام در همین رابطه فرموده اند: «مهدی علیه السلام پنجمین فرزند از فرزندان پسرم، موسی علیه السلام و فرزند سیده ی کنیزان است. (پس از ظهور او) روح الله، عیسی بن مریم علیه السلام فرود می آید و

پشت سر او نماز می خواند».(۱)

محل نزول ایشان، در روایتی، دمشق معرفی شده؛(۲) که به علت ضعف روایت، چندان نمی توان به آن اعتماد کرد. در منابع عامه نیز محل نزول و اقامه ی نماز به امامت امام زمان علیه السلام ، بیت المقدس دانسته شده است.

اما درباره ی زمان نزول حضرت عیسی علیه السلام ، مطلب خاصی در منابع شیعی به میان نیامده است. با این حال، به نظر می رسد که این اتفاق، پس از حوادث کوفه و مربوط به زمانی خواهد بود که امام مهدی علیه السلام قصد دعوت اهل کتاب به آیین حق و دین اسلام را داشته باشند.

تذکر

در روایات شیعی، در رابطه با حوادث و وقایع بعد از فتح کوفه، مانند فتح بیت

۱- «هو الخامس من ولد ابنی موسی، ذلک ابن سیده الاماء،... و ینزل روح الله عیسی بن مریم علیه السلام فیصلی خلفه». کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۳۳،ح۳۱؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۳۹۳، ح۹۴۸؛ بحارالانوار، ج۵۱، ص۱۴۶، ح۱۴.
۲- بحارالانوار، ج۱۰، ص۳۴.

المقدس، دجال و سرانجام او بحث چندان روشن و شفافی نیامده است؛ لذا از بیان آن خود داری می شود.

مدت جنگ

از روایات می توان استفاده کرد که مدت زمان جنگ حضرت با دشمنان خدا و نابودی سنگرهای شرک و نفاق، هشت ماه می باشد و پس از آن، جنگ، پایان می یابد و دوران عمران و آبادی زمین، شروع می شود.

برای مثال، از امام حسین علیه السلام نقل شده است: «شمشیرش را هشت ماه روی گردنش قرار می دهد».(۱) شبیه این تعبیر، از وجود مقدس امام علی علیه السلام(۲) و امام صادق علیه السلام(۳) نیز صادر شده است.

۱- «یضعُ سیفهُ علی عاتقهِ ثمانیه اشهر». کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ب۳۰، ح۵؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۱۸۰، ح۷۰۲؛ بحارالانوار، ج۵۱، ص۱۳۳، ح۶.

۲- معجم احادیث امام مهدی(، ج۳،ص۱۱۹، ح۶۸۵.

۳- معجم احادیث امام مهدی(، ج۳،ص ۲۴۰، ح۷۶۹.

فصل چهارم: چند نکته

اشاره

ویژگی های حضرت

اشاره

در برخی روایات، ویژگی های شخصی حضرت مهدی علیه السلام مورد توجه قرار گرفته و به پاره ای از آن ها اشاره شده است. در این بخش، به نمونه ای از آن ها اشاره می-کنیم.

جوان بودن

مرحوم صدوق نقل می کند: «چون امام حسن علیه السلام با معاویه مصالحه کرد، این عمل، برای برخی از مردم، گران آمد؛ و لذا نزد ایشان رفته و شروع به سرزنش کردند. امام مجتبی علیه السلام در مقام دفاع از حرکت خویش به آنان فرمود: آن چه من برای شیعیانم انجام داده ام، از آن چه آفتاب بر آن بتابد و غروب کند، بهتر است. سپس به داستان حضرت موسی و خضر علیهما السلام اشاره کرده و

ادامه دادنـد: «هر یـک از ما ائمه: بیعت طاغوتِ زمانِ خویش را به گردن دارد؛ مگر قائمی که حضـرت عیسـی بن مریم علیهما السـلام پشت سـر او نماز می خواند... خداوند، عمر او را در دوران غیبتش طولانی می-گرداند؛ سپس با قدرت خود، او را در صورت جوانی کمتر از چهل سال ظاهر می سازد؛ تا دانسته شود که خداوند بر هر کاری تواناست».(۱)

بنابراین حضرت، به چهره ی جوانی حدود چهل ساله می باشد.

۱- «لما صالح الحسن بن علی معاویه بن أبی سـفیان دخل علیه الناس فلامه بعضـهم علی بیعته فقال: ویحکم ما تدرون ما عملت و الله الـذی عملت خیر لشـیعتی مما طلعت علیه الشـمس أو غربت... أنه ما منا أحد إلا و یقع فی عنقه بیعه لطاغیه زمانه إلا القائم الذی یصـلی روح الله عیسـی ابن مریم خلفه... یطیل الله عمره فی غیبته ثم یظهره بقدرته فی صوره شاب دون أربعین سـنه ذلک لیعلم أن الله علی کـل شـی ء قـدیر». کمـال الـدین و تمام النعمه، ج۱، ب۲۹، ح۲؛ معجم احـادیث امام مهـدی(، ج۳، ص۱۶۵، ح۶۹۱؛ بحارالانوار، ج۵۱، ص۱۳۲، ح۱.

قدرت جسمانی

از جمله ویژگی های ایشان، قدرت جسمانی است. ریّان بن صلت می گوید: «به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود: من صاحب این امر (امامت) هستم؛ ولی آن کسی که زمین را ـ پس از آن که پر از ظلم بشود ـ از عدل، آکنده خواهد ساخت، من نیستم؛ و چگونه او باشم؟ در حالی که ضعف بدن مرا می بینی. قائم، کسی است که وقتی خروج می کند، در سنّ پیران و قیافه ی جوانان می-باشد و بدنش قوی است؛ به گونه ای که اگر دستش را به بزرگ ترین درخت روی زمین، دراز کند، می تواند آن را از جا بکند».(۱)

۱- «عن الریان بن الصلت قال: قلت للرضا(أنت صاحب هذا الأمر؟ فقال: أنا صاحب هذا الأمر و لکنی لست بالذی أملأها عدلا کما ملئت جورا و کیف أکون ذلک علی ما تری من ضعف بدنی و إن القائم هو الذی إذا خرج کان فی سن الشیوخ و منظر الشبان قویا فی بدنه حتی لو مد یده إلی أعظم شجره علی وجه الأرض لقلعها». کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۳۵، ح۸؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۴، ص،۱۵۴، ح۱۲۱۱؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۲۲، ح۳۰.

شجاعت و قدرت یاران

روشن است که یاران و اصحاب امام زمان علیه السلام نیز مانند رهبرشان، انسان های قوی و شجاعی می باشند.

امام باقر علیه السلام ضمن روایتی فرموده اند: «زمانی که امر ما واقع شود و مهدی ما علیه السلام بیاید، جرأت و شجاعت هر مرد از شیعیان ما از شیر، بیشتر خواهد شد.»(۱)

امام صادق علیه السلام نیز درباره ی قدرت یاران امام عصر علیه السلام فرموده اند: «وقتی حضرت لوط علیه السلام به قومش گفت: ای کاش در برابر شما توانایی داشتم یا به رکن شدید، مأوی می گرفتم(۲)، در حقیقت، آرزو داشت که قدرت قائم علیه السلام را داشته باشد و چیزی را یاد نکرد، مگر استواری یاران امام زمان علیه السلام را. به درستی که به هر مردی از اصحاب او، توانائی چهل مرد داده می شود و

۱- «فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ جَاءَ مَهْدِیُّنَا کَانَ الرَّجُلُ مِنْ شِیعَتِنَا أَجْرَأَ مِنْ لَیْثٍ وَ أَمْضَی مِنْ سِنَانٍ». معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۲۸۵، ح۸۲۳؛ بحارالانوار، ج۲، ص۱۸۹، ح۲۲.

۲- (قالَ لَوْ أَنَّ لِی بِکُمْ قُوَّه أَوْ آوِی إِلی رُکْنٍ شَدِید(. هود (۱۱): ۸۰.

قلب آنان از پاره های آهن، استوارتر است و اگر از کوه آهن بگذرند، آن را از جا بر می-کنند».(۱)

میراث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سایر انبیاء

از روایات متعددی استفاده می شود که وجود مقدس امام زمان علیه السلام ، هنگام ظهور، میراثی از انبیاء گذشته را در اختیار دارند. این ابزار و وسایل ــ که هر کدام، دارای امتیاز خاصی است ــ حاوی پیام ویژه ای می-باشند. برخی از آن ها، از وجود مقدس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به ائمه: و از آن ها به امام زمان علیه السلام ، و برخی دیگر، از انبیای گذشته: نزد حضرت مهدی علیه السلام به یادگار مانده است.

آن چه از پیامبر به جای مانده، در ابتدای

۱- «مَا کَانَ یَقُولُ لُوطٌ(لَوْ أَنَّ لِی بِکُمْ قُوَّهً أَوْ آوِی إِلی رُکْنٍ شَدِیدٍ إِلَّا تَمَنِّیاً لِقُوَّهِ الْقَائِمِ وَ لَا ذَکَرَ إِلَّا شِدَّهَ أَصْحَابِهِ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ یُعْطَی قُوَّهَ أَرْبَعِینَ رَجُلًا وَ إِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبَرِ الْحَدِیدِ وَ لَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِیدِ لَقَطَعُوهَا» کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۵۸، ح۱۸؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۵، ص۱۷۲، ح۱۵۹۸؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۲۷، ح۴۴.

ظهـور، به همراه حضـرت خواهنـد بـود؛ امـا این که ایشـان، میراث پیـامبران را به وقت ظهور و هنگـام حرکت به طرف مسـجد الحرام، به همراه خواهند داشت یا خیر، چندان روشن نیست.

در این رابطه، یعقوب سـراج نقـل کرده است: «به امـام صادق علیه السـلام عرض کردم: فرج شـیعیان شـما در چه زمانی است؟ امام، در پاسخ، ابتدا به برخی از حوادث قبل از ظهور، اشاره کرد و سـپس فرمود: صاحب این امر، با میراث پیامبر صلی الله علیه و آله و سـلم از مدینه به طرف مکه خارج می شود. از ایشان پرسـیدند: میراث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیست؟ فرمود: شمشیر،زره، عمامه، برد، عصا، پرچم و وسایل جنگی ایشان».(۱)

مرحوم صدوق نیز از ریّان بن صلت نقل کرده که امام رضا علیه السلام فرمود: «با او (حضرت

۱- «وخرج صاحب هذا الامر من المدینه إلی مکه بتراث رسول الله صـلی الله علیه وآله. فقلت: ما تراث رسول الله صـلی الله علیه وآله؟ قـال: سـیف رسول الله ودرعه وعمامته وبرده وقضـیبه ورایته ولامته وسـرجه». کافی، ج۸، ص۲۲۴، ح۲۸۵؛ غیبت نعمانی، ب۱۴، ح۴۲و۴۳؛ معجم احادیث امام مهـدی(، ج۳، ص۴۹۷، ح۱۰۶۸ ؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۴۲، ح۱۱۲؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۱، ح۶۶.

مهدی علیه السلام) عصای حضرت موسی علیه السلام و انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام است».(۱)

هم چنین از امام باقر علیه السلام منقول است: «هنگامی که قائم علیه السلام در مکه قیام کند و آهنگ کوفه نماید، منادی او ندا می دهد: کسی از شما، با خود، خوراک و آب برندارد. پس سنگ حضرت موسی علیه السلام که با یک شتر است، با خود حمل می کنند و در منزلی فرود نمی آیند، مگر آن که چشمه ای از آن سنگ بجوشد. پس هر که گرسنه باشد، سیر می شود و هرکس تشنه باشد، سیراب می گردد و همین زاد و توشه ی آن هاست؛ تا به نجف کوفه فرود آیند».(۲)

۱- «یَکُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَی وَ خَاتَمُ سُلَیْمَان». کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۳۵، ح۸؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۴، ص۱۵۴، ح۱۲۱۱؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۲۲، ح۳۰.

۲- «إذا قام القائم بمکه وأراد أن یتوجه إلی الکوفه نادی منادیه ألا لا یحمل أحد منکم طعاما ولا شرابا، ویحمل حجر موسی بن عمران وهو وقر بعیر، ولا ینزل منزلا إلا انبعث عین منه، فمن کان جائعا شبع، ومن کان ظمآن روی، فهو زادهم حتی نزلوا النجف من ظهر الکوفه». کافی، ج۱، ص۲۳۱، ح۳؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۲۴۷، ح۷۷۷؛ بحارالانوار، ج۱۳، ص۱۸۵.

روش مقابله

براساس روایات متعددی، حرکت انقلابی حضرت مهدی علیه السلام ، با تکیه بر سلاح خواهد بود و جنگ و قتال با دشمنان خدا تا انهدام کاملِ همه ی سنگرهای کفر و نابودی همه ی افراد آن، ادامه خواهد داشت؛ ولی این، به معنای عدم اتمام حجت بر مخالفان نیست؛ بلکه آن چه از چگونگی حرکت آن وجود مقدس استفاده می شود، این است که آن بزرگوار، به روش اجداد بزرگوارش عمل خواهد نمود. یعنی ابتدا ایمان حقیقی را عرضه خواهد کرد و درصورت عدم پذیرش مخالفان، جنگ آغاز خواهد شد.

آری؛ او همانند جد مظلومش، امام علی علیه السلام در جنگ جمل، صفین و نهروان و همچون جد غریبش، امام حسین علیه السلام در صحرای کربلا، ابتدا به معرفی خود و علت قیام خویش می پردازد و روش خود را براساس دین خدا،

قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اعلام می کند؛ که این نوع برخورد، مورد تأیید خدا و عقل می باشد.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، ایمان را بر هر ناصبی و مخالفی عرضه می کند. پس اگر واقعاً (و نه از روی نفاق) داخل در ایمان شد، مطلوب همین است؛ وگرنه گردن او را می زند یا از او جزیه می-گیرد».(۱)

البته ـ چنان چه در روایات، اشاره شده ـ حرکت حضرت علیه السلام از همان آغاز ظهور، چنین است که ابتدا، خود را معرفی کرده و سیره ی خود را ـ که همان عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است ـ گوشزد می نمایند و مردم را به سوی خود فرامی خوانند.

در روایتی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل شده است: «هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، مردم را از نو به اسلام، دعوت، و آنان را به امری که

۱- «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ بِحَقِيقَةٍ وَ إِلَّا ضَرَبَ عُنُقَهُ أَوْ يُؤَدِّيَ الْجِزْيَه». کافی، ج۸، ص۲۲۷، ح۲۸۸؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۳، ص۳۰۸، ح۸۴۶؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۷۵، ح۱۷۵.

پوشیده شده و نسبت به آن، گمراه شده-اند، راهنمائی می کند. همانا قائم ما را «مهدی» نام نهاده اند، زیرا به امری که گم شده است، هدایت می کند و به او «قائم» می-گویند؛ زیرا قیام او بر اساس حق است».(۱)

بنابر آن چه گفته شد، در سیر حرکت حضرت، جنگ و قتال، در مرتبه ی دوم قرار دارد و در ابتدا دعوت به سمت حق و راستی صورت خواهد گرفت.

فقط کشتن دشمنان خدا

نکته ی مهم دیگر، کشتارهایی است که اتفاق می افتد. باید توجه داشت که محدوده و اندازه ی آن، در چهار چوب رضایت خداوند و امر الهی است. به عبارت دیگر، جنگ و کشتار دشمنان دین ــ که به امر الهی، توسط امام

۱- «إذا قام القائم علیه السلام دعا الناس إلی الاسلام جدیدا، وهداهم إلی أمر قد دثر وضل عنه الجمهور، وإنما سمی القائم مهدیا لانه یهدی إلی أمر مضلول عنه، وسمی بالقائم لقیامه بالحق». ارشاد، ص۳۶۴، ح۲؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۴، ص۵۱، ح۱۱۲۲؛ بحارالانوار، ج۵۱، ص۳۰، ح۷.

زمان علیه السلام تحقق پیدا خواهد کرد _ تا زمانی ادامه خواهد داشت که خداوند، صلاح بداند. چنان چه جناب عبد العظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل کرده است: «(حضرت مهدی علیه السلام) دشمنان خدا را می کشد؛ تا زمانی که خدای متعال، راضی شود».(۱)

هم چنین آن چه نباید مورد غفلت واقع شود، این است که آن کشتارها، فقط شامل دشمنان خدا می شود، نه سایر بندگان؛ و نه حتی آنانی که به خاطر جهل و نادانی از خدا فاصله گرفته اند. زیرا آنان با شنیدن پیام حضرت و آگاهی هایی که صورت می پذیرد، با حقیقت آشنا شده و به طرف خدا باز خواهند گشت. ولی دشمنان، مخالفان و منافقان _ که از روی علم و آگاهی، به مخالفت برخاسته، لجاجت می ورزند و به دنبال خاموش کردن نور خدا هستند _ راه به جایی نبرده و در برابر لشکر الهی امام مهدی علیه السلام ، مغلوب و مقتول

۱- «فَلَا یَزَالُ یَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی». کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۳۶، ح۲؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۳۸، ح۱۰.

خواهند شد.

خداوند فرموده است:

«يُرِيـدُونَ أَن يُطْفِؤُاْ نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يَأْبىَ اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَفِرُونَ هُوَ الَّذِى أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُـدَى وَ دِينِ الْحَقّ ِ لِيُظْهِرَهُ عَلىَ الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُون.»(۱) ؛ «آن ها می خواهند نور خدا را با دهان خود، خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی خواهـد که نور خود را کامـل کنـد؛ هر چنـد کافران ناخشـنود شونـد. او کسـی است که رسولش را با هـدایت و دین حق فرستاد؛ تا آن را بر همه ی دین ها غالب گرداند؛ هر چند، مشرکان را خوش نیاید».

امام صادق علیه السـلام درباره ی تأویل این آیه فرموده انـد: «به خـدا سوگنـد، تأویل این آیه هنوز واقع نشـده است و واقع هم نمی شود، تـا آن که قـائم علیه السـلام خروج کنـد. پس هنگامی که قائم علیه السـلام خروج کنـد، کافرانِ به خـدای بزرگ و مشرکانِ به امام را خوش نمی آید؛ و اگر کافر یا

۱- توبه (۹): ۳۲ و ۳۳.

مشرکی در دل صخره ای باشد، آن صخره می گوید: ای مؤمن! در دل من، کافری است. مرا بشکن و او را بکش».(۱)

از این روایت، به خوبی استفاده می شود که دشمنان خدا از ظهور امام زمان علیه السلام ناراحت خواهند شد و سر تسلیم، در برابر او فرود نخواهند آورد. به همین علت، وارد جنگ خواهند شد و چون شکست می-خورند، فراری و متواری شده و خود را به جای تسلیم کردن، مخفی خواهند کرد. ولی در آن روزگار، محل امنی برای آن ها نخواهد بود و چاره ای جز تسلیم یا مرگ نخواهد داشت؛ چرا که رها شدن آنان باعث تجدید قوای آن ها، برپایی جنگ دیگری با امام و سرانجام، فساد و خرابی خواهد شد.

۱- «و الله ما نزل تأویلها بعد و لاینزل تأویلها حتی یخرج القائم علیه السلام فاذا خرج القائم علیه السلام لم یبق کافر بالله العظیم و لا مشرك بالامام الا کره خروجه حتی ان لو کان کافر مشرك فی بطن صخره لقالت: یا مؤمنُ فی بطنی کافر فاکسرنی و اقتلهُ». کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۵۸، ح۷؛ معجم احادیث امام مهدی(، ج۵، ص۱۴۵، ح۱۵۶۴؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۲۴، ح۳۶.

سلاح جنگی

در پایان، مناسب است تا بحثی کوتاه پیرامون سلاح های جنگی حضرت داشته باشیم. مسلماً در این که قیام حضرت، مسلحانه و همراه با جنگ و درگیری خواهد بود، شک و تردیدی وجود ندارد؛ اما آن چه محل بحث و گفتگو واقع شده، این است که سلاح حضرت چیست؟ آیا همان شمشیر و سلاح های جنگیِ دورانِ ابتداییِ اسلام خواهد بود یا حضرت از سلاح و ادوات روز بهره خواهند برد؟

برخی معتقدند روایاتی که اسلحه ی حضرت را شمشیر، معرفی کرده اند، همه، سمبلیک هستند و در واقع، پیام آن دست روایات، این است که حضرت در قیام خود از اسلحه و ادوات جنگی روز و حتی پیشرفته تر از آن، بهره خواهد برد.

در مقابل، عده ای بر این باورند که باید ظاهر روایات را حفظ نمود. به اعتقاد آنان، با توجه به مجموع روایات، می توان دریافت که شمشیر، جایگاهی حقیقی و اصلی در جنگ های حضرت خواهد داشت و جنگ ایشان، واقعاً همان جنگ با شمشیر و

سلاح های زمانِ گذشته است.

اینـان در تـوجیه این نکته که چگونه می توان بـا شمشـیر در برابر انواع سـلاح هـای مـدرن _ که می تواننـد از راه دور، افراد و مکان های زیادی را نابود کنند _ چند دسـته شده اند. عده ای سخن از اعجاز به میان می آورند. بعضی دیگر با عنایت به خبر وقوع جنگ های قبل از ظهور در روایات، بر این باورند که آن جنگ ها باعث نابودی سـلاح ها و بلکه، صـنعت سـلاح سازی می شود. به اعتقـاد آنـان، این جمله ی معروف که اگر جنگ سوم جهانی اتفاق بیفتـد، پس از آن، جنگ ها با سـنگ و چوب خواهد بود کنایه از آن است که طی جنگ های آخرالزمانی، علاوه بر نابودی حدود دو سومِ جمعیت بشر، سلاح ها نیز از بین خواهد رفت.

از نظر گروهی دیگر، حضـرت از جانب خدا با افتادن رعب در دل دشمنان، یاری خواهد شد. به عبارت دیگر، هراس از ایشان باعث می شود که دشمنان نتوانند از سلاح خود استفاده کنند.

به نظر می آیـد در این بـاره، اظهـار نظر دقیق و قطعی، امکـان نـدارد. لـذا بهتر است در عین حالی که وقوع جنگ های پس از ظهور را

می پذیریم، نسبت به نوع سلاح حضرت، سکوت کنیم. چراکه اساساً این بحث، فاقد نتیجه ی قابل اعتنا، و بدون ارزش است.

در پایان، از خداونـد می خواهیم که لغزش های ما را مورد عفو قرار داده و لیاقت حضور در زمان ظهور و یاری امام زمان علیه السلام را به ما عنایت کند.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹